

تأثیر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد در بهره‌مندی از حقوق بشر

سیدمحسن عمادی^۱

چکیده: دهه ۱۹۹۰ به دلیل افزایش شدید تحریم‌های شورای امنیت "دهه تحریم" نام گرفته است. از سال ۱۹۹۰ تا پایان ۲۰۱۱، شورای امنیت ۲۵ مورد تحریم را مورد تصویب قرار داد. در حالی که از زمان تأسیس سازمان ملل تا سال ۱۹۹۰ تنها دو کشور براساس فصل هفت منشور تحت تحریم شورای امنیت قرار گرفته بودند. افزایش اعمال تحریم از جانب شورای امنیت نگرانی فزاینده‌ای را در ارتباط با خسارات وارده بر شهروندان کشورهای تحت تحریم موجب گردید. تحقیقاتی که درخصوص اثرات تحریم در کشورهایمانند عراق و هائیتی انجام شده، حاکی از آن است که این تحریم‌ها موجب افزایش شدید مرگ و میر کودکان، گسترش فقر، مهاجرت، کمبود مواد غذایی و دارو و سایر نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی گردید. در نتیجه، مباحث گسترده‌ای در سطح سازمان ملل و خارج آن در خصوص انتقاد از تحریم‌های شورای امنیت و همچنین مسئولیت آن شورا در قبال نقض حقوق بشر به‌ویژه حقوق اقتصادی و اجتماعی شهروندان مطرح است. در این نوشتار، ابعاد حقوق بشری تحریم‌های اقتصادی و مالی شورای امنیت سازمان ملل مورد بررسی قرار گرفته است. به عقیده نگارنده، تحریم‌های شورای امنیت به دلیل تأثیرات منفی شدید آن بر جوامع تحت تحریم، در انطباق با هنجارهای حقوق بشری به ویژه حقوق اقتصادی و اجتماعی نیست و اعمال این تحریم‌ها منجر به نقض فاحش حقوق بشر می‌گردد. در حالی که منشور سازمان ملل، آن سازمان را به "ارتقا و احترام به حقوق بشر" متعهد نموده است، اعمال تحریم‌های اقتصادی توسط شورای امنیت نقض مفاد منشور بوده و مسئولیت نقض حقوق بشر را متوجه آن شورا می‌نماید.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، شورای امنیت، تحریم، منشور سازمان ملل، نقض حقوق بشر، حقوق اقتصادی و اجتماعی.

۱. آقای سیدمحسن عمادی، رایزن سیاسی وزارت امور خارجه seyedm_emadi@yahoo.com

مقدمه

مقاله زیر در مورد تأثیر تحریم‌های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل بر برخورداری از حقوق بشر به‌ویژه در بهره‌مندی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تحقیق می‌کند. هدف از این پژوهش این است که به بررسی ابعاد حقوق بشری تحریم‌های سازمان ملل متحد بپردازد.

تحقیق حاضر در پی آن است که نشان دهد تحریم‌های شورای امنیت در انطباق با هنجارهای بین‌المللی حقوق بشری نیستند. به عبارت دیگر، شورای امنیت در اتخاذ تصمیمات خود از جمله اعمال تحریم‌ها رویکرد حقوق بشری نداشته و به هنجارهای حقوق بشری بی توجه است و حتی این هنجارها را نقض می‌کند.

براساس منشور سازمان ملل، شورای امنیت به "ارتقاء و تشویق به احترام به حقوق بشر" متعهد است. بنابراین، براساس مفاد این منشور و اصول حقوق بین‌الملل، قدرت اجرایی شورای امنیت محدود به رعایت هنجارهای حقوق بشری و حقوق بشردوستانه است. ماده ۲۴ منشور از شورا می‌خواهد در استفاده از قدرت خود برای حفظ صلح و امنیت براساس اهداف و اصول سازمان ملل عمل نماید. در زمره مهم‌ترین اصول و اهداف منشور که در ماده یک ذکر شده ارتقای حقوق بشر است. در واقع، مقدمه منشور با این عبارت شروع می‌شود "با اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی".

منشور سازمان ملل متحد به ویژه در مواد ۵۵ و ۵۶ به روشنی به پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر... استانداردهای بالاتر زندگی، اشتغال کامل و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی... و احترام جهانی برای رعایت حقوق بشر اشاره دارد. ماده ۵۶ منشور ملل متحد به تعهد همه اعضا برای دستیابی به اهداف مندرج در ماده ۵۵ اشاره می‌کند. ماده ۶۲ منشور ملل متحد به شورای اقتصادی و اجتماعی، ماموریت داد توصیه‌هایی به هدف ترویج احترام و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه ارائه کند که در نتیجه کمیسیون حقوق بشر تأسیس گردید و در نهایت در سال ۲۰۰۶ جای خود را به شورای حقوق بشر واگذار کرد. به علاوه، تعداد بیشماری از کنوانسیون‌ها و معاهدات حقوق بشری در درون سیستم سازمان ملل مورد مذاکره و تصویب قرار گرفته‌اند. از نظر فنی، شورای امنیت مانند دولت‌ها عضو این معاهدات نیست ولی هر یک از این معاهدات در واقع تفسیر و تبیین دیدگاه‌های حقوق بشری منشور هستند که این امر شورای امنیت را از طریق ماده ۲۴ منشور به اصول این معاهدات متعهد می‌نماید.

معدلاً، شورای امنیت که یکی از ارکان اصلی سازمان ملل محسوب می‌شود با اجرای تحریم‌های اقتصادی، حقوق بشر شهروندان کشورهای تحت تحریم را نقض می‌نماید. این تناقض در درون سازمان ملل، توجه بسیاری از محققان و کشورها را به خود جلب نموده و راهکارهایی برای برون رفت از این معما ارائه گردید که در گزارش‌های متعدد "گروه کاری شورای امنیت در خصوص مسائل کلی تحریم‌ها" به برخی از آنان اشاره گردیده است.

در مباحث بین‌المللی مربوط به این که آیا شورای امنیت را می‌توان به دلیل تحریم‌های اقتصادی به عنوان ناقض حقوق بشر معرفی نمود دو دیدگاه کلی موافق و مخالف وجود دارد. قائلین به ناقض بودن شورای امنیت استدلال می‌کنند که اولاً حقوق بشر مصرح در منشور سازمان ملل حقوق جهان‌شمول هستند که هیچ دولت یا نهادی نباید آن‌ها را نقض نماید، ثانیاً مطالعات جدی نشان می‌دهد که حقوق بشر شهروندان کشورهای تحت تحریم به دلیل این تحریم‌ها نقض می‌گردد و در نتیجه نهاد تحمیل‌کننده تحریم (شورای امنیت) ناقض حقوق بشر قلمداد می‌شود. رفتار یک دولت خاطی نمی‌تواند نقض فاحش حقوق بشر توسط شورای امنیت را توجیه نموده و از آن شورا رفع مسئولیت کند.

مخالفین مسئولیت شورای امنیت معتقدند که هیچ محدودیت قانونی برای شورای امنیت برای اقدام تحت فصل هفت منشور وجود ندارد (Legibus Solutus). این افراد همچنین استدلال می‌کنند که از دیدگاه حقوقی مسئولیت نقض فقط می‌تواند متوجه افراد یا نهادهایی گردد که تعهدی را پذیرفته‌اند. دولت‌ها با تصویب معاهدات حقوق بشری به رعایت حقوق بشر متعهد هستند، در حالی که شورای امنیت یا به طور کلی سازمان ملل عضو هیچ‌یک از معاهدات نیستند و لذا مسئول دانستن آنان از نظر حقوقی توجیهی ندارد.^۱ ثانیاً نهاد تحریم‌کننده تنها زمانی می‌تواند مسئول شناخته شود که به طور عمد قصد نقض حقوق را مد نظر داشته باشد. شورای امنیت با هدفمند کردن تحریم‌ها تلاش دارد نقض حقوق را مرتکب نشود و در صورت بروز نقض حقوق بشر ناشی از تحریم، مسئولیتی متوجه شورا نیست چون فاقد عامل معنوی ارتکاب جرم است. پژوهش حاضر در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول تعریف و تاریخچه تحریم و سازوکار تحریم در سازمان ملل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش دوم

۱. نظر غالب حقوق‌دانان این است که شورای امنیت حداقل به اصول داخلی سازمان (از جمله منشور) و اصول حقوق بین‌الملل عمومی الزام قانونی دارد.

به موضوع تحریم و حقوق بشر پرداخته شده و تحریم عراق به عنوان نمونه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

طی دهه ۱۹۹۰ تحریم‌های اعمال شده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد افزایش قابل توجهی پیدا نمود. در حالی که تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد تنها دو بار در طول چهار دهه گذشته اعمال شده بود،^۱ از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۱ شورای امنیت ۲۵ مورد تحریم را مورد تصویب قرار داد.^۲ افزایش اعمال تحریم از جانب شورای امنیت که عمدتاً ناشی از پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام بین‌المللی دو قطبی بوده است، نگرانی فزاینده‌ای را در ارتباط با خسارات انسانی و یا "پیامدهای ناخواسته" تحریم‌ها بر افراد غیرنظامی کشورهای تحت تحریم موجب شده است. دهه ۱۹۹۰ توسط برخی از صاحب‌نظران به عنوان "دهه تحریم" نام گرفته است (Cortright, 2000: 1). تعدادی دیگر از صاحب‌نظران آن را به عنوان دهه "تجدید حیات شورای امنیت که طی آن شورا به اعمال اختیارات مبتنی بر منشور خود به شیوه‌ای فعال و قابل انعطاف اقدام نموده است"، توصیف نمودند (Dedring, 2008: 2).

باتوجه به افزایش نگرانی‌ها درباره خسارات وارده از تحریم‌ها علیه غیرنظامیان، تلاش‌ها نیز برای ارزیابی این خسارات به منظور حذف و یا حداقل کاهش اثرات منفی آن‌ها آغاز گردید. شورای امنیت سازمان ملل با آگاهی از عواقب ناشی از تحریم و تحت فشار افکار عمومی جهان، خود رهبری تحقیقات در این زمینه را بر عهده گرفت. در نتیجه، در سال ۱۹۹۵ نمایندگان پنج عضو دائم شورای امنیت، یعنی چین، فرانسه، فدراسیون روسیه، بریتانیا و ایالات متحده نامه‌ای خطاب به رئیس شورای امنیت درخصوص موضوع "تأثیر بشردوستانه تحریم"^۳ ارسال نمودند.^۴ در این نامه، پنج عضو

۱. دو کشوری که قبل از ۱۹۹۰ مشمول تحریم سازمان ملل شده بودند عبارت بودند از: آفریقای جنوبی از ۱۹۹۴

الی ۱۹۹۷ و رودزیای جنوبی از ۱۹۶۶ الی ۱۹۹۷.

۲. این موارد عبارتند از: عراق ۱۹۹۱، یوگسلاوی ۱۹۹۱، سومالی ۱۹۹۲، لیبی ۱۹۹۲، صربستان و مونته‌نگرو

۱۹۹۲، لیبیا ۱۹۹۲، صرب‌های بوسنی ۱۹۹۳، هائیتی ۱۹۹۳، آنگولا ۱۹۹۳، رواندا ۱۹۹۴، سودان ۱۹۹۶، سیرالئون

۱۹۹۷، یوگسلاوی ۱۹۹۸، افغانستان ۱۹۹۹، اریتره و اتیوپی ۲۰۰۰، لیبیا ۲۰۰۱، کنگو دموکراتیک ۲۰۰۳، لیبیا

۲۰۰۳، سودان ۲۰۰۴، ساحل عاج ۲۰۰۴، لبنان (حریری) ۲۰۰۵، کره شمالی ۲۰۰۶، ایران ۲۰۰۶، لیبی ۲۰۱۱،

طالبان ۲۰۱۱.

3. Humanitarian Impact of Sanctions

4. United Nations Security Council, document S/1995/300 dated 13 April 1995.

دائم تاکید کردند: "ضمن شناسایی ضرورت حفظ تحریم‌های اعمال شده بر اساس منشور ملل متحد، اقدامات جمعی بیشتری می‌بایست برای کاهش عوارض جانبی منفی و ناخواسته تحریم‌ها بر بخش‌های آسیب‌پذیر کشورهای تحت تحریم انجام گیرد"^۱. پنج سال بعد (۱۷ آوریل ۲۰۰۰) شورای امنیت یک گروه کاری غیررسمی به منظور بررسی اثرات ناخواسته تحریم‌ها و معافیت‌های انسان‌دوستانه^۲ تأسیس نمود^۳. در سال ۲۰۰۶، گروه کاری مذکور گزارش خود را به شورای امنیت ارائه نمود^۴.

شورای امنیت همچنین سه نشست در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۳ برای بحث پیرامون تأثیرات منفی تحریم‌ها برگزار نمود. اظهارات نمایندگان دولت‌ها در این جلسات به خوبی نگرانی‌های کشورهای عضو را به تصویر می‌کشد. به عنوان نمونه، در نشست شورای امنیت در آوریل سال ۲۰۰۰، نماینده نامیبیا، عضو غیردائم شورای امنیت در آن زمان، اظهار داشت:

"تصمیم‌گیری برای ادامه اعمال تحریم زمانی که اثرات منفی انسانی آن سنگین‌تر از اهداف سیاسی مورد نظر می‌شود یک معضل اخلاقی است. بنابراین ضروری است که طرح هرگونه تحریم مبتنی بر سیاست روشن و شامل شرایط قطعی و دقیق برای حفظ و یا لغو تحریم‌ها باشد. چندی پیش، در همین اتاق، در جریان بحث در مورد وضعیت انسان‌دوستانه در عراق، دبیرکل سازمان ملل هشدار داد که در وضعیت کنونی، سازمان ملل متحد در معرض این سؤال قرار دارد که چه کسی مسئول درد و رنج مردم عراق است - دولت عراق یا سازمان ملل متحد؟"^۵

در همین نشست، نماینده عراق که کشورش در آن هنگام تحت تحریم‌های همه‌جانبه شورای امنیت قرار داشت با اشاره به گزارش سفیر آموریم^۶، رئیس پانل شورای امنیت در مورد وضعیت انسانی در عراق اظهار داشت:^۷

"تصویر دقیق از اثرات فاجعه‌باری که تحریم‌ها بر روی تمام جنبه‌های زندگی در عراق داشته‌اند، بیانگر ... افزایش شدید در میزان مرگ و میر، به‌خصوص در میان مادران و کودکان، سوء تغذیه شدید در میان بخش بزرگی از کودکان، وخامت جدی در

1. United Nations Security Council, annex of the document S/1995/300
2. Humanitarian Exemptions
3. Security Council Resolution S/2000/319
4. Security Council Resolution S/2006/997
5. Security Council, Statement of Representative of Namibia at the 4128th Meeting of the Security Council 17 April 2000.
6. Ambassador Amorim
7. S/1999/356 dated 30 March 1999

زیرساخت‌ها، به ویژه منابع آب، شبکه‌های فاضلاب، شبکه برق، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، کاهش ثبت نام کودکان در مدارس تا ۵۳ درصد - فقر فرهنگی و فکری و همچنین تخریب بافت‌های اجتماعی کشور به طور کلی است.^۱

مجمع عمومی سازمان ملل که برخلاف شورای امنیت از عضویت تمامی کشورهای عضو سازمان ملل متحد برخوردار است، به منظور مشارکت در بحث‌های جاری در مورد تحریم، قطعنامه‌ای را در ۲۶ سپتامبر ۱۹۹۷ تحت عنوان "مکمل دستور کار برای صلح"^۲، ضمیمه ۲ که درخصوص "موضوع تحریم‌های اعمال شده توسط سازمان ملل متحد" است تصویب نمود که در آن آمده است:

"در حالی که نیاز به حفظ اثر تحریم‌های اعمال شده مطابق با منشور وجود دارد، عوارض جانبی ناخواسته بر مردم غیرنظامی باید با معافیت بشردوستانه مناسب در قطعنامه‌های شورای امنیت به حداقل برسد. رژیم تحریم نیز باید ایجاد شرایط مناسب برای عرضه کافی کمک بشردوستانه به جمعیت غیرنظامی را تضمین نماید."^۳

علاوه بر این، دفتر ملل متحد برای هماهنگی امور بشردوستانه،^۴ در اواخر سال ۲۰۰۲ پروژه‌ای را به منظور ایجاد استاندارد واحد برای ارزیابی پیامدهای انسانی تحریم تهیه نمود (OCHA, 2004: 5)

ابتکارات خارج از سازمان ملل متحد

سه طرح مهم بین‌المللی خارج از سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲ در ارتباط با موضوع تحریم ارائه شد. هدف این سه ابتکار بین‌المللی ایجاد رهیافت سیاسی برای هدفمند کردن تحریم‌ها و همزمان افزایش اثربخشی آن‌ها بوده است. اولین ابتکار از ابتکارات سه‌گانه که فرایند اینترلاکن^۵ نام گرفت در سال ۱۹۹۸ توسط دولت سوئیس ارائه شد و تمرکز آن بر روی تحریم‌های مالی هدفمند بوده است. ابتکار دوم که فرایند بن-برلین^۶ نام دارد توسط وزارت امور خارجه آلمان در سال ۲۰۰۰ سازماندهی شد و بر تحریم‌های تسلیحاتی و تحریم سفر متمرکز بوده است. ابتکار سوم یا "روند استکهلم

1. Statement of Representative of Iraq at the 4128th Meeting of the Security Council 17 April 2000

2. Supplement to an Agenda for Peace

3. United Nations General Assembly Resolution A/RES/51/242. Annex II

4. OCHA

5. Interlaken Process

6. Bon-Berlin Process

در اجرای تحریم‌های هدفمند سازمان ملل متحد^۱ که توسط وزارت امور خارجه سوئد هماهنگ شده بود در خلال سال ۲۰۰۲ شکل گرفت. گزارش نهایی این طرح در فوریه ۲۰۰۳ به شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه گردید. از جمله توصیه‌های روند استکهلم نیاز به "متدلوژی مشخص" برای انجام ارزیابی‌های منظم تأثیر بشردوستانه و اجتماعی و اقتصادی تحریم‌ها بوده است. در زمان معرفی این گزارش به شورای امنیت، نماینده سوئد اظهار داشت:

"در حالی که استفاده از ابزار تحریم افزایش یافته است، نگرانی فزاینده از اثرات منفی تحریم‌های اقتصادی بر جمعیت آسیب‌پذیر و جوامع به طور کلی وجود دارد. اثرات ضمنی تحریم‌ها علیه کشورهای ثالث در این گزارش برجسته شده است. همزمان بسیاری از بازیگران کلیدی - کسانی که تحت تحریم قرار خواهند گرفت - به طرق مختلف از تحریم فرار کرده‌اند. این مشکلی است که در حال افزایش است. این امر نه تنها تأثیر تحریم‌ها را خنثی می‌کند بلکه مشروعیت اقدامات تحمیل شده را نیز زیر سؤال می‌برد. فرایند استکهلم با عنایت به نوع تحریم، استراتژی‌های مختلفی را برای مقابله با فرار از تحریم‌ها و حفظ دقت و صحت در اجرای تحریم‌ها مورد توصیه قرار می‌دهد. هدف اصلی روند استکهلم این بوده است که راه‌های تقویت ظرفیت اجرای تحریم‌های هدفمند در درون نظام سازمان ملل متحد و در میان کشورهای عضو را نشان دهد. یکی از اولویت‌ها تعیین اقدامات برای پیشبرد طراحی، نظارت، گزارش دهی و هماهنگی میان کمیته‌های تحریم و نهادهای ناظر بوده است"^۲.

به‌رغم تلاش‌های مذکور، متأسفانه کشورهای اعمال‌کننده تحریم‌ها همچنان بدون توجه به ابعاد غیرانسانی تحریم‌ها به تشدید محدودیت‌ها علیه کشورهای هدف تحریم ادامه می‌دهند.

ابعاد حقوق بشری تحریم‌های شورای امنیت

تمامی ابتکارات فوق بر تأثیر تحریم‌ها بر شهروندان عادی کشورهای تحت تحریم موضوعات خود را بر اثرات منفی تحریم‌ها به جنبه‌های "انسان‌دوستانه" آن محدود کرده‌اند. این ابتکارات به نوعی اثرات منفی تحریم‌ها بر "حقوق بشر" شهروندان کشورهای تحت تحریم را مورد غفلت قرار داده‌اند.

1. Stockholm Process on the Implementation of Targeted UN Sanctions

۲. گزارش شورای امنیت مورخ فوریه ۲۰۰۳

دستورالعمل بررسی تحریم‌ها که توسط دفتر سازمان ملل متحد برای هماهنگی امور انسان‌دوستانه (OCHA) تهیه شده است نیز خود را به ارزیابی‌های مسائل انسان‌دوستانه از تحریم‌ها محدود نمود و تنها اشاره آن به حقوق بشر به "دسترسی تبعیض‌آمیز به کالاها و خدمات" محدود بوده و در واقع دامنه حقوق بشر را به اصل عدم تبعیض در توزیع کمک‌ها یا به عواقب غیرمستقیم تحریم‌ها در افزایش تبعیض علیه زنان که به دنبال اشتغال در بخش‌های خاص هستند محدود کرده است. در مجموع، دستورالعمل مذکور در درج جنبه‌های حقوق بشری در ارزیابی خود مردد و سردرگم بوده است:

"اساساً، سؤال این است به چه میزان باید حقوق بشر را در ارزیابی پیامدهای انسان‌دوستانه تحریم دخالت داد؟ این امر (وارد کردن حقوق بشر در ارزیابی از تأثیر تحریم‌ها) چالش‌های قابل‌توجهی را ایجاد می‌کند. زیرا توجه به حقوق بشر در این خصوص مستلزم قضاوت در خصوص تعهدات قانونی افراد خاص یا اشخاص درگیر در تحریم (دولت تحت تحریم، نهاد تحریم‌کننده و دیگر کشورهای عضو میثاق‌ها و معاهدات حقوق بشری) در حفظ و پاسداری از این حقوق است" (OCHA, 2004: 13).

در هر حال، تعریفی که دفتر هماهنگی حقوق بشردوستانه OCHA برای شرایط انسانی زندگی ارائه می‌دهد و به طور مستقیم به بقای فیزیکی، سلامت و رفاه، و جنبه‌های مهم توسعه انسانی ارتباط پیدا می‌کند (گرچه از واژه حقوق بشر استفاده نمی‌کند) به همان اندازه قابل استفاده برای وضعیت حقوق بشر تحت میثاق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. در نتیجه تمایز بین این دو یعنی شرایط بشردوستانه و حقوق بشر به وضوح روشن نشده است:

"وضعیت بشردوستانه ماهیتاً تجربی و قابل اندازه‌گیری است، اما حقوق بشر به‌عنوان حقوق افراد-جهان‌شمول، مستقل و غیرقابل تفکیک است. حقوق اساسی بشر که به موجودیت افراد ارتباط پیدا می‌کند غیر قابل تأویل است. ایدآل‌های حقوق بشر آرمانی، هنجاری و تجویزی هستند (هر فرد باید قادر به بهره‌مندی کامل از حقوق بشر خود باشد). شاید مهم‌تر از همه، حقوق بشر اعطا حق می‌کند و تعهدات حقوقی را هم در چارچوب حقوقی و هم اخلاقی تعریف می‌کند. از آنجا که حقوق بشر، حق ایجاد می‌کند و قابل تضعیف یا حذف نیست لذا قابل اندازه‌گیری هم نیست" (OCHA, 2004: 13).

با افزایش فشار افکار عمومی بین‌المللی متعاقب فاجعه انسانی در کشورهای تحت تحریم به‌ویژه در کشورهایمانند هائیتی و عراق، نهادهای غیردولتی بین‌المللی از جمله مؤسسات تحقیقاتی در غرب و آژانس‌ها و نهادهای حقوق بشری سازمان ملل به روشنی

به ارتباط میان تحریم‌ها و حقوق بشر پرداخته و تحقیقات و مواضعی را در خصوص اثرات منفی تحریم بر حقوق بشر شهروندان ابراز داشتند.

تلاش‌ها و تحقیقات انجام‌شده در سطح سازمان ملل در این ارتباط به شرح ذیل قابل احصا است و مفصل آن در بخش‌های بعدی مورد اشاره قرار خواهند گرفت:

- گزارش میچل به مجمع عمومی در سال ۱۹۹۶،^۱
- نظریه تفسیری کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR) شماره ۸ مورخ ۱۹۹۷ تحت عنوان "رابطه بین تحریم‌های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی"،^۲
- قطعنامه‌ها و تصمیمات کمیسیون فرعی ارتقا و حمایت از حقوق بشر در سال‌های ۱۹۹۱، ۱۹۹۷ و ۱۹۹۸،
- ملاحظات کمیته حقوق کودک در ارتباط با تحریم اقتصادی عراق و تأثیر آن بر کودکان ۱۹۹۸،^۳
- گزارش صندوق کودکان سازمان ملل ۱۹۹۸،^۴
- گزارش بوسیوت به کمیسیون فرعی تحت عنوان نتایج منفی تحریم‌های اقتصادی بر بهره‌مندی از حقوق بشر سال ۲۰۰۰ (Bossuyt, 2000)،
- گزارش دفتر کمیسر عالی حقوق بشر در خصوص تأثیرات حقوق بشری تحریم‌های اقتصادی بر عراق سال ۲۰۰۰.^۵

در حوزه تحقیقاتی خارج از سازمان ملل، تعدادی از پژوهشگران متخصص در امور تحریم‌ها از جمله الیزابت گیبونز و ریچارد گارفیلد در تحقیقات خود پیرامون اثرات تحریم بر مردم هائیتی اظهار داشتند که تحریم در هائیتی منجر به "نقض گسترده حقوق بشر شهروندان هائیتی" شده است

(Gibbons and Garfield, 1999: 1499-504)

1. The Machel Report, A/51/306, 24 August 1996.

2. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, *General Comment No.8*, Document E/C.12/1997/8

3. Concluding Observations of the Committee on the Rights of the Child: Iraq (CRC/C/15/Add.94)

4. Nutritional Status Survey of Infants in Iraq, UNICEF 1998.

5. The Human Rights Impact of Economic Sanctions on Iraq, Background Paper Prepared by the Office of the High Commissioner for Human Rights, 5 September 2000.

در سال ۱۹۹۶ یک سازمان تحقیقاتی غیردولتی در آمریکا تحت عنوان مرکز حقوق اقتصادی و اجتماعی، هیأتی مرکب از ۲۴ پژوهشگر که عمدتاً متخصص در زمینه بهداشت عمومی بودند را برای تحقیق پیرامون تأثیر تحریم‌های سازمان ملل و ارزیابی این که آیا این تحریم‌ها منجر به نقض حقوق بشر شده‌اند تعیین نمود. این گروه در پایان تحقیقات خود نتیجه‌گیری نمود که "موضوع عراق نشان داد که چرا اعمال تحریم جایگزین انسانی مناسبی برای جنگ نیست (Cortright and Lopez, 1998: 741)". این گروه "شورای امنیت سازمان ملل را در قبال نقض حقوق بشر پاسخگو دانست" (Center for Economic and Social Rights, 1996: 42) و موضوع رابطه بین تحریم‌های اقتصادی و نقض حقوق بشر را برجسته نمود. در مقدمه گزارش گروه مذکور آمده است:

"شش سال پس از سخت‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ شورای امنیت، قدرت دولت صدام حسین کاهش نیافته است ولی این تحریم‌ها اثرات ویران‌کننده‌ای بر اقشار آسیب‌پذیر عراق به ویژه کودکان داشته است. براساس تحقیقات آژانس‌های سازمان ملل، نرخ مرگ و میر کودکان به دلیل سوءتغذیه و بیماری از زمان تحمیل تحریم‌های سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ پنج برابر شده که منجر به مرگ بیش از ۵۰۰ هزار کودک زیر سن ۵ سال گردیده است. به عبارت دیگر، تعداد کودکان عراقی که به‌خاطر تحریم مرده‌اند بیش از مجموع افرادی است که در بمب‌هسته‌ای آمریکا در ژاپن و پاک‌سازی قومی در یوگسلاوی سابق کشته شده‌اند".

سازوکار تحریم در سازمان ملل

تعریف تحریم

تحریم‌ها در حقوق و سیاست بین‌المللی مجموعه اقدامات با ماهیت اجباری هستند که هدف آن‌ها وادار ساختن دولت‌ها، بازیگران بین‌المللی یا افراد غیرمطیع به رعایت هنجار حقوق بین‌الملل یا پیروی از خواست و سیاست موردنظر نهاد صادرکننده تحریم می‌باشد. از نظر فنی، این واژه هم برای اقدامات نظامی و هم اقدامات غیرنظامی به کار برده می‌شود ولی عمدتاً از این واژه برای اقدامات غیرنظامی استفاده می‌شود.

انگیزه برای اعمال تحریم ممکن است پاسخ به نقض یک هنجار یا ممانعت از نقض آن باشد، اما در واقع انگیزه برای اعمال تحریم می‌تواند دستیابی به یک هدف در سیاست خارجی یا دستیابی به برخی امتیازات از کشور مورد تحریم باشد.

در سیاست جهانی عصر حاضر، تحریم‌ها به عنوان یک ابزار سیاست خارجی توجه کشورهای قدرتمند را به خود جلب نموده است. زیرا اعمال تحریم می‌تواند

فرصتی در اختیار این قدرت‌های بزرگ قرار دهد تا بدون توسل به قوه قهریه تلاش نمایند رفتار یک دولت یا یک بازیگر بین‌المللی را تغییر دهند.

تحریم‌ها را می‌توان براساس قدرت اعمال‌کننده تحریم به تحریم‌های یک‌جانبه، چندجانبه و تحریم‌های سازمان ملل تقسیم‌بندی نمود. تحریم‌هایی که توسط یک کشور اعمال می‌شوند را تحریم‌های یک‌جانبه می‌نامند. نمونه‌های برجسته تحریم‌های یک‌جانبه تحریم‌هایی هستند که توسط آمریکا علیه کوبا^۱ و ایران^۲ اعمال شده‌اند. اما وقتی تحریم‌ها توسط تعدادی از کشورها به صورت گروهی اعمال می‌شوند به آن‌ها تحریم‌های چندجانبه می‌گویند. به عنوان نمونه می‌توان به تحریم هائیتی توسط سازمان کشورهای آمریکایی و اخیراً تحریم علیه سوریه و ایران توسط اتحادیه اروپا اشاره کرد و در نهایت، هنگامی که اقدامات محدودکننده تحت ماده ۴۱ منشور سازمان ملل تحمیل می‌شوند به این اقدامات تحریم‌های سازمان ملل گفته می‌شود. در این نوشتار، تمرکز اصلی بر تحریم‌هایی است که توسط سازمان ملل اعمال می‌گردند. منشور سازمان ملل از واژه تحریم استفاده نکرده است. ولی عبارت تحریم‌های سازمان ملل عموماً برای اشاره به اقدامات غیرمسلحانه ولی الزامی و تعهدآور استفاده می‌شود که علیه دولت یا بازیگر غیردولتی خاصی توسط شورای امنیت سازمان ملل اعمال می‌شود. براساس ماده ۴۱ منشور، این اقدامات می‌تواند شامل قطع کامل یا نیمه‌کامل روابط اقتصادی، راه‌آهن، دریا، هوا، پست، تلگراف، رادیو و دیگر راه‌های ارتباطی و قطع روابط دیپلماتیک باشد. تحریم‌های سازمان ملل که پس از جنگ سرد به شدت افزایش یافت نگرانی‌هایی را درخصوص تاثیرات مخرب آن‌ها بر مردم بی‌گناه کشور یا بازیگر دیگر ایجاد کرده است. موضوع جنبه‌های مختلف تحریم‌های سازمان به‌ویژه اثرات مخرب آن‌ها بر شهروندان عادی و نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی موضوع اصلی این نوشتار است که در بخش‌های بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت ولی قبل از آن به طور خلاصه به سازوکار تحریم در جامعه ملل اشاره می‌شود.

۲. سازوکار تحریم در جامعه ملل

جامعه ملل در پایان جنگ اول جهانی در نتیجه طرح صلح ورسای تشکیل گردید. ارکان اصلی جامعه ملل عبارت بودند از: مجمع عمومی، شورا و دبیرخانه. مجمع عمومی سالی

۱. آمریکا از زمان بحران موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ تحریم علیه کوبا را آغاز کرد.

۲. آمریکا پس از اشغال سفارت آن کشور در ایران در سال ۱۳۵۸ (۱۹۸۰) تحریم علیه ایران را آغاز نمود.

یک بار تشکیل جلسه می‌داد و متشکل بود از نمایندگان تمامی کشورهای عضو و درخصوص سیاست‌های سازمان تصمیم‌گیری می‌نمود. شورا شامل چهار عضو دائمی (بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و ژاپن) و چهار عضو (بعداً ۹) عضو غیردائم بود که هر سه سال توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شدند. دبیرخانه وظیفه آماده سازی دستور کار و انتشار گزارش‌های نشست‌ها را بر عهده داشت. جامعه ملل فاقد نیروی نظامی بود و تنها بر سازوکار تحریم برای کنترل رفتار کشورهای عضو متکی بود.

در ژانویه ۱۹۲۳ فرانسه رور^۱ را اشغال کرد. شش ماه بعد ایتالیا جزیره یونانی کورفو را بمباران کرد. هنگامی که جامعه ملل تصمیم گرفت این حوادث را مورد بررسی قرار دهد، دولت‌های فرانسه و ایتالیا تهدید نمودند که از جامعه ملل خارج خواهند شد. در نتیجه، جامعه ملل تصمیم گرفت هیچ اقدامی انجام ندهد.

به‌رغم این ناکامی‌ها، جامعه ملل موفقیت‌هایی در ممانعت از جنگ مرزی بین بلغارستان-یونان (۱۹۲۵)، عراق-ترکیه (۱۹۲۵-۱۹۲۶) و لهستان-لیتوانی (۱۹۲۷) کسب نمود. جامعه ملل همچنین موفقیت قابل توجهی در زمینه‌های کنترل مواد مخدر، پناهندگان و کمک به قربانیان خشکسالی به دست آورد.

سیستم امنیت جمعی جامعه ملل انحصاراً مبتنی بر تحریم بود و این تحریم‌ها علیه کشورهایی که با نقض میثاق جامعه ملل به جنگ متوسل می‌شدند به کار گرفته می‌شد. ماده ۱۶ میثاق اشعار می‌داشت:

"هرگاه یکی از اعضای جامعه با وجود تعهدات ناشی از مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۵، به جنگ توسل جوید، مثل این است که با تمام اعضای جامعه وارد کارزار شده باشد. در این صورت اعضای جامعه باید اولاً روابط تجاری و اقتصادی خود را با آن کشور بی‌درنگ قطع کنند و ثانیاً از ایجاد هرگونه رابطه میان اتباع خود و اتباع کشوری که نقض عهد کرده است، جلوگیری به عمل آورند، ثالثاً تمام مراودات مالی و تجاری شخصی میان اتباع دولت خاطی و اتباع کشورهای دیگر را، اعم از این که عضو جامعه باشند یا نباشند، بر هم زنند" (میثاق جامعه ملل، ماده ۱۶، بند ۱).

اما در عمل، سازوکار تحریم جامعه ملل تحت‌الشعاع دو موضوع اختلافی قرار داشت. اول آن که مرجع تعیین‌کننده "توسل به جنگ" و "نقض میثاق" مشخص نبود و دوم آن که دولت‌ها تعهدی به اجرای تحریم نداشتند (Farrall, 2008: 54). در نتیجه، براساس قطعنامه‌ای که در سپتامبر ۱۹۲۱ توسط مجمع جامعه به تصویب رسید، وظیفه

تشخیص توسل به جنگ به خود دولت‌ها واگذار شد. در نتیجه، دولت‌ها می‌توانستند از تعهد به اعمال تحریم با این استدلال که به نظر آن‌ها نقض میثاق صورت نگرفته‌شده خالی کنند (Farrall, 2008: 54).

شکست جامعه ملل برای اعمال تحریم در ناتوانی آن به ترغیب دولت‌ها برای پیوستن به ائتلاف دولت‌های تحمیل‌کننده تحریم بود. تقریباً این اتفاق نظر وجود دارد که مهم‌ترین عامل شکست تحریم عدم همکاری چهار قدرت اصلی آن زمان یعنی آلمان، آمریکا، فرانسه و بریتانیا با جامعه ملل بوده است (Hindmarsh, 1993:171).

۳. سازوکار تحریم در سازمان ملل متحد

"تحریم به طور عمومی به عنوان یک ابزار نیرومند شناخته می‌شود. بکارگیری این سلاح نیرومند این نکته اخلاقی را به وجود می‌آورد که آیا آلامی که بر مردم آسیب‌پذیر کشور تحت تحریم وارد می‌شود راه مشروعی برای اعمال فشار بر دولتمردان آن کشور محسوب می‌شود؟ دولتمردانی که رفتار آن‌ها به نظر نمی‌رسد که با وضعیت اسفبار اتباعشان تغییری پیدا بکند. تحریم‌ها همواره پیامدهای ناخواسته و نامطلوب دارند."

دبیرکل سابق سازمان ملل، پطرس غالی ۲۵ ژانویه ۱۹۹۵

همانند جامعه ملل، سازمان جهانی جدید که پس از جنگ دوم جهانی تأسیس شد (سازمان ملل متحد) نیز دارای سازوکار تحریم برای اجرای تصمیمات خود برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی شد. به هر حال، برخلاف جامعه ملل که یک سازوکار غیرمتمرکز برای تصمیم‌گیری درخصوص تحریم داشت و به دولت‌ها اجازه می‌داد که خودشان تصمیم بگیرند که تحریم‌ها را اجرا بکنند یا خیر، منشور سازمان ملل به شورای امنیت این قدرت را داد تا به اجرای تحریم‌ها پرداخته و کشورهای عضو را متعهد به انجام این مصوبات نمود. فصل پنجم منشور ملل متحد وظایف و قدرت شورای امنیت را برمی‌شمارد. ماده ۲۴ (۱) منشور اشعار می‌دارد: "به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نمایند و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت بر عهده دارد از طرف آن‌ها اقدام نماید."

براساس فصل هفتم منشور، شورای امنیت می‌تواند اقدامات الزامی و اجباری برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید. این اقدامات هم شامل تحریم‌های اقتصادی و یا غیراقتصادی بدون استفاده از نیروی مسلح و هم شامل اقدامات مسلحانه بین‌المللی می‌گردد. در واقع، فصل هفتم منشور، مشتمل بر مواد ۳۹ تا ۵۱

منشور، اختیار قانونی بسیار بیشتری در مقایسه با جامعه ملل به شورای امنیت اعطا می‌کند. مواد ۳۹ و ۴۱ اصول حیاتی حاکم بر اعمال تحریم‌ها هستند. ماده ۳۹ اشعار می‌دارد:

"شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود".

ماده ۴۱ فهرست جامعی از اقدامات اجباری غیرمسلحانه را که می‌تواند توسط شورای امنیت به کار گرفته شوند در مقابله با تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احصاء می‌نماید. بر اساس این ماده:

"شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن به کارگیری نیروی مسلح نباشد لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد".

زمانی که شورای امنیت وضعیت تجاوز، تهدید علیه صلح یا نقض صلح را احراز نمود، براساس ماده ۳۹ منشور می‌تواند تحریم‌های الزام‌آور را اعمال نماید. طیفی از تحریم‌ها در اختیار سازمان ملل قرار دارد. اگر یک دولت نسبت به تصمیم شورای امنیت بی‌اعتنایی کند تمامی اعضای سازمان ملل تعهد حقوقی دارند تا اقدامات مصوب شورای امنیت را اجرا نمایند. این تعهد حقوقی ناشی از مواد ۲۵، ۱۰۳ و ۲ (۵) منشور می‌باشد. ماده ۲۵ اشعار می‌دارد: "اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را طبق این منشور قبول و اجرا نمایند". ماده ۱۰۳ نیز از کشورهای عضو می‌خواهد اولویت را به تعهدات خود در قبال منشور بدهند "در صورت تعارض بین تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آن‌ها بر طبق هر موافقتنامه بین‌المللی دیگر تعهدات آن‌ها به موجب این منشور مقدم خواهد بود". این بدین معنا است که کشورها نمی‌توانند تعهدات قبلی خود را به عنوان توجیهی برای عدم اجرای مصوبات شورای امنیت به کار ببرند. بند ۵ ماده ۲ منشور نیز از کشورها می‌خواهد از کمک به کشورهایی که تحت اقدامات مواد ۴۱ و ۴۲ قرار دارند اجتناب نمایند: "کلیه اعضا در هر اقدامی که سازمان بر طبق این منشور به عمل آورد به سازمان همه‌گونه

مساعادت خواهند کرد و از کمک به هر کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می‌آورد خودداری خواهند نمود".

سازمان‌های منطقه‌ای نیز براساس ماده ۵۲ منشور برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارای اختیاراتی هستند "هیچ یک از مقررات این منشور مانع وجود قراردادهای یا مؤسسات منطقه‌ای برای انجام امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که متناسب برای اقدامات منطقه‌ای باشد نیست، مشروط بر این که این‌گونه قراردادهای یا مؤسسات و فعالیت‌های آن‌ها با مقاصد و اصول ملل متحد سازگار باشد".

در طول دوران جنگ سرد، شورای امنیت تنها دو مورد تحریم اعمال نمود که عبارت بودند از تحریم علیه دولت جان اسمیت در رودزیا (زیمبابوه) و علیه دولت آپارتاید در آفریقای جنوبی که سیاست‌های نژادپرستانه آن به طور وسیعی محکوم شده بود.

در پاسخ به اعلامیه یک‌جانبه استقلال رودزیا از انگلستان در ۱۹۶۵، شورای امنیت در سال ۱۹۶۶ تحریم‌های اقتصادی محدودی را تحت فصل هفت منشور برای اولین بار در تاریخ سازمان ملل اعمال نمود. شورای امنیت متعاقباً مواضع خود را علیه دولت اقلیت سفیدپوست رودزیا از طریق ممنوعیت همه صادرات و واردات (به غیر از برخی مواد غذایی، وسایل آموزشی و دارو) سخت‌تر کرد و در سال ۱۹۶۸ این تحریم‌ها "همه‌جانبه" شدند.

تحریم شورای امنیت علیه آفریقای جنوبی نیز در سال ۱۹۶۳ آغاز شد در آن هنگام شورای امنیت "قویاً سیاست‌های آفریقای جنوبی را در ارتکاب تبعیض نژادی به عنوان عملی مغایر با اصول منشور سازمان ملل محکوم نمود" و اعلام داشت که "وضعیت آفریقای جنوبی به‌طور جدی صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکنده است"^۱.

تحریم رودزیا و آفریقای جنوبی بیانگر این موضوع است که چگونه شورای امنیت سیاست‌های داخلی یک دولت را به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نموده و در نتیجه، اقدام خود در عمل به فصل ۷ منشور را توجیه کرده است.

پایان جنگ سرد راه را برای اعضای دائمی شورای امنیت برای استفاده بیشتر از ابزارهای موجود در فصل ۷ منشور هموار نمود. این فعالیت جدید به خوبی در افزایش شدید صدور قطعنامه توسط شورای امنیت آشکار است. شورا در ۴۵ سال اول فعالیت

خود تنها ۶۸۳ قطعنامه صادر کرد در حالی که در ۲۱ سال اخیر تا اواخر سال ۲۰۱۱ این عدد بر ۱۳۲۰ قطعنامه بالغ گردید که با افزایش اعزام هیأت‌های حافظ صلح و عملیات انسان‌دوستانه نیز همراه بود. این روند همچنین منجر به استفاده بیشتر شورا از تحریم‌های اقتصادی الزام‌آور گردید. استفاده از ابزار تحریم آن قدر گسترده گردید که دو تن از محققان برجسته در مسائل بین‌المللی یعنی دیوید کورت رایت و جورج لوپز دهه ۱۹۹۰ را به عنوان "دهه تحریم" نام‌گذاری کردند.

از ۱۹۹۰ تا اواخر ۲۰۱۱ شورای امنیت تحریم‌های گسترده‌ای را علیه عراق، یوگسلاوی سابق، لیبی، لیبیا، سومالی، کامبوج (خمرهای سرخ)، هائیتی، آنگولا، رواندا، سودان، سیرالئون، افغانستان، ایران، لیبی (۲۰۱۱)^۱ و گروه طالبان (۲۰۱۱)^۲ اعمال نمود.

هدف استفاده از تحریم‌های الزام‌آور به منظور اعمال فشار بر یک دولت یا یک بازیگر غیردولتی برای واداشتن آن‌ها به پیروی از اهداف شورای امنیت بدون استفاده از نیروی نظامی اعلام شده است.^۳ مقامات سازمان ملل اصرار دارند تحریم‌های اقتصادی اقدامات تنبیهی نیستند بلکه اقداماتی ترغیبی برای تعدیل رفتار تحریم‌شوندگان محسوب می‌شوند. پطرس غالی دبیرکل سابق سازمان ملل بر این عقیده بود که "هدف تحریم تعدیل رفتار عضوی است که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر افکنده است نه تنبیه و یا انتقام" (Boutros Ghali, 1995: 16). دبیرکل فعلی سازمان ملل آقای بان کی‌مون نیز اظهار داشته است:

"تجربه نشان داده است که تحریم‌ها به عنوان وسیله‌ای برای ترغیب بهتر عمل می‌کنند تا راهی برای تنبیه. تحریم‌ها باید همراه با چماق، هویج نیز همراه داشته باشند و تنها تهدید نباشند بلکه مشوق‌هایی برای اطاعت و پیروی از قانون نیز باشند. تحریم‌شدگان باید بدانند چه اقداماتی را باید انجام دهند و اطاعت کامل یا غیرکامل آن‌ها باید با گام‌های متقابل از جانب شورا همراه باشد، مانند کاهش یا لغو تحریم‌ها."^۴

الگوی جدید استفاده از تحریم‌ها نه تنها به خاطر افزایش تعداد قابل توجه هستند بلکه همچنین به خاطر تنوع اهداف شورای امنیت در اعمال آن‌ها نیز واجد اهمیت می‌باشند. شورای امنیت از اعمال تحریم برای اهداف ادعایی مانند دفع تجاوز، ایجاد

1. SC Res.1970 (26 February 2011)

2. SC Res.1988 (17 June 2011)

3. UN website, www.un.org/sc/committees.

4. S/2007/734

دموکراسی، محکومیت نقض حقوق بشر و مجازات رژیم‌هایی که به تروریست‌ها و سایر گروه‌های درگیر در جرایم بین‌المللی پناه می‌دهند استفاده کرده است. در حالی که سابقاً از تحریم‌ها فقط علیه دولت‌ها استفاده می‌شده است، شورا در سال‌های اخیر به اعمال تحریم علیه بازیگران غیردولتی نیز اقدام کرده است، مانند خمرهای سرخ در کامبوج، اتحادیه ملی استقلال کامل در آنگولا و طالبان در افغانستان (Cortright, 1998: 10).

۳-۱. مدیریت و نظارت بر تحریم‌ها

به منظور تضمین اجرای تحریم‌ها توسط دولت‌های عضو، شورای امنیت مسئولیت بیشتری برای مدیریت و نظارت بر اجرای تحریم‌ها بر عهده دبیرکل سازمان ملل و طیفی از نهادهای وابسته قرار داد. ماده ۲۹ منشور اشعار می‌دارد که شورای امنیت می‌تواند هر نوع رکن فرعی را که برای انجام وظایف خود لازم بداند تأسیس نماید. اختیار بیشتر برای ایجاد ارگان‌های فرعی از بند ۲۸ دستور کار موقت شورای امنیت نیز قابل استنباط است که می‌گوید:

شورای امنیت می‌تواند یک کمیسیون، کمیته یا یک گزارشگر را برای یک موضوع خاص تعیین کند. شورای امنیت تعدادی ارگان فرعی برای تسهیل اجرای تحریم‌ها از جمله کمیته‌های تحریم، کمیسیون‌های خلع سلاح و کمیسیون‌های تحقیق، گروه کارشناسان و سازوکارهای نظارتی تأسیس نمود.

۳-۱-۱. کمیته‌های تحریم

کمیته‌های تحریم، عمومی‌ترین نوع ارگان فرعی هستند که برای تسهیل مدیریت، نظارت و اجرای تحریم‌ها ایجاد شده‌اند. کمیته‌های تحریم شامل یک نماینده از یکایک اعضای شورای امنیت می‌باشند و ریاست آن سالانه بین اعضا چرخشی خواهد بود. رئیس و دو معاون کمیته در آغاز هر سال انتخاب می‌شوند.

وظایف هر یک از کمیته‌های تحریم با یکدیگر متفاوت است. ولی به‌طور معمول، کمیته‌های تحریم واجد وظایف زیر می‌باشند: (Farrall, 2008: 148)

- گزارش به شورا در خصوص اجرای تحریم‌ها یا نقض آن‌ها توسط کشور تحت تحریم یا سایر کشورهای عضو،
- مدیریت معافیت‌ها،
- نظارت بر تحریم‌ها،
- بهبود اجرای تحریم‌ها،

- مدیریت فهرست‌ها در تحریم‌های هدفمند،

- بررسی تأثیرات بشردوستانه تحریم‌ها.

به عنوان نمونه، کمیته تحریم ۱۷۳۷ در خصوص ایران از جمله بر اجرای اقدامات مندرج در قطعنامه‌های (۲۰۰۶) ۱۷۳۷، (۲۰۰۷) ۱۷۴۷، (۲۰۰۹) ۱۸۰۳ و (۲۰۱۰) ۱۹۲۹ نظارت و گزارش می‌نماید. این کمیته همچنین وظیفه بررسی و اقدام در ارتباط با اطلاعات پیرامون موارد احتمالی نقض قطعنامه‌های فوق و تعیین افراد و نهادهای بیشتر و ارائه توصیه برای تقویت اجرای اقدامات تحمیل‌شده را دارا می‌باشد.^۱

۲-۱-۳. پانل کارشناسان

شورای امنیت همچنین معمولاً پانل کارشناسان برای حمایت از کمیته‌های تحریم تشکیل می‌دهد. وظیفه این پانل‌ها ارزیابی و تحلیل بی‌طرفانه و مستند و ارائه توصیه‌ها برای بهبود اجرای تحریم‌ها می‌باشد. گروه‌های کارشناسی تحریم‌های سازمان ملل هم‌اکنون درخصوص ساحل عاج، لیبیا، کره شمالی، جمهوری دموکراتیک کنگو، سومالی / اریتره، سودان، جمهوری اسلامی ایران و القاعده/ طالبان تشکیل شده‌اند. اعضای این گروه کارشناسی توسط دبیرکل ضمن مشورت با کمیته‌های تحریم ذی‌ربط انتخاب می‌شوند.

۲-۳. انواع تحریم‌ها

تحریم‌های سازمان ملل طیف وسیعی از اقدامات از تحریم‌های اقتصادی تا قطع روابط دیپلماتیک به شرح مندرج در ماده ۴۱ منشور را شامل می‌گردند. دسته بندی خلاصه انواع تحریم‌ها در ذیل آمده است:

۱-۲-۳. تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی شایع‌ترین نوع تحریم‌ها هستند. دو نوع اصلی از تحریم‌های اقتصادی وجود دارد.

الف): تحریم‌های تجاری:^۲ تحریم‌های تجاری واردات به کشور تحت تحریم و صادرات از آن کشور را محدود می‌کند. این محدودیت ممکن است جامع باشد مانند تحریم عراق یا می‌تواند گزینشی باشد که فقط برخی از کالاهای خاص را محدود

1. Security Council Resolution 1737 (2006)

2. Trade Sanctions

می‌کند. تحریم‌های جامع در آگوست و سپتامبر ۱۹۹۰ علیه عراق برای اجبار آن کشور به عقب‌نشینی از کویت اعمال شدند. همچنین در آوریل ۱۹۹۲ بار دیگر تحریم جامع علیه آن کشور برای اجرای قطعنامه ۶۸۷ شورای امنیت متعاقب عملیات طوفان صحرا اعمال گردید. تحریم‌های همه‌جانبه همچنین علیه یوگسلاوی (۱۹۹۶-۱۹۹۱) و صربستان و مونته‌نگرو (۱۹۹۶-۱۹۹۲) و هائیتی (۱۹۹۳) اعمال شدند.

ب) **تحریم‌های مالی:**^۱ تحریم‌های مالی رابطه نزدیکی با تحریم‌های اقتصادی دارند؛ ولی تمرکز آن‌ها بر ممنوعیت جریان پول و منابع مالی به درون یا از کشور تحریم‌شده قرار دارد. تحریم‌های مالی همچنان که در فرآیند اینترلاکن^۲ مورد بررسی قرار گرفت می‌تواند شامل مسدود کردن دارایی‌های دولت، محدود کردن دسترسی به بازارهای مالی و محدودیت وام و اعتبار، محدود کردن تبادل مالی بین‌المللی و محدودیت فروش و تجارت در خارج از کشور باشد. تحریم‌های مالی بخشی از تمامی تحریم‌های سازمان ملل علیه کشورهای هدف می‌باشند.

۲-۳. تحریم‌های غیر اقتصادی

الف) **تحریم‌های سفر:**^۳ تحریم‌های سفر می‌تواند شامل تحریم‌ها علیه سفر برخی از افراد یا گروه‌ها باشد و هم می‌تواند شامل نوع خاصی از حمل و نقل گردد. تحریم‌های سفر اقداماتی هستند که به دنبال ممنوعیت یا بازداشتن افراد مرتبط با هدف تحریم به مسافرت‌های بین‌المللی است. تحریم سفر علیه افراد خاص اعمال شده است چون ممنوعیت سفر نظامیان سیرالئون در ۱۹۹۸ و همچنین علیه گروه‌های غیردولتی مانند رهبران وحدت ملی برای اتحاد آنگولا در ۱۹۹۷. شورای امنیت در تحریم رودزیا تحریم سفر علیه تمامی اتباع آن کشور را صادر نمود.^۴ ممنوعیت نوعی خاص از سفر هوایی شامل فرود یا پرواز هر نوع هواپیما توسط طالبان از طریق قطعنامه ۱۲۶۷ سال ۱۹۹۹ شورای امنیت علیه طالبان اعمال گردید.

ب) **تحریم هوایی:**^۵ تحریم‌های هوایی شامل ممنوعیت پرواز به و از مبدأ کشور هدف یا همچنین محدود کردن توانایی کشور تحت تحریم برای استفاده از پروازهای

1. Financial Sanctions
2. The Interlaken Process
3. Travel Sanctions
4. SC Res. 253 (29 May 1968)
5. Aviation Sanctions

داخلی در درون منطقه نفوذ خود می‌باشد. این نوع تحریم علیه عراق،^۱ لیبی^۲ و هائیتی^۳ اعمال شده است.

ج) تحریم‌های نظامی:^۴ تحریم‌های نظامی می‌تواند شامل تحریم تسلیحات، خاتمه کمک‌های نظامی یا آموزشی و همچنین تحریم علیه سلاح‌های کشتار جمعی باشد. تقریباً تمامی تحریم‌های سازمان ملل مشتمل بر ممنوعیت تسلیحات می‌باشند. شورای امنیت همچنین اقدامات ویژه‌ای علیه تسلیحات کشتار جمعی کشورهای هدف اتخاذ نموده است.

د) تحریم‌های دیپلماتیک:^۵ تحریم‌های دیپلماتیک مستقیماً مقامات رسمی کشور تحت تحریم را هدف قرار می‌دهد. دیپلمات‌ها و رهبران سیاسی ممکن است روادید دریافت نکرده و از شرکت در سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی منع شوند.

گام‌های دیگر در انزوای دیپلماتیک شامل فراخوانی کادرهای دیپلماتیک و سازمان‌های بین‌المللی از کشور تحت تحریم است. شورای امنیت از تحریم‌های دیپلماتیک علیه لیبی،^۶ سودان،^۷ رودزیای جنوبی،^۸ یوگسلاوی سابق،^۹ یونیتا^{۱۰} و افغانستان/طالبان/القاعده^{۱۱} استفاده نموده است.

ه) رسیدگی کیفری بین‌المللی:^{۱۲} در سال ۱۹۹۳، شورای امنیت بر اساس ماده ۴۱ منشور، دادگاه کیفری بین‌المللی برای محاکمه افراد مسئول جرایم جنگی در یوگسلاوی تشکیل داد. متعاقباً در سال ۱۹۹۴، دادگاه دیگری برای محاکمه متهمان نسل‌کشی در رواندا تشکیل گردید.

از آنجا که تشکیل این دادگاه‌ها در چارچوب اصل ۴۱ منشور انجام شد لذا آن‌ها را نیز یکی از اشکال تحریم می‌توان قلمداد نمود گرچه در اصطلاح از عنوان تحریم برای آن‌ها استفاده نمی‌شود (Mark, 1999: 1509).

1. SC Res. 670 (25 September 1990)
2. SC Res. 748 (31 March 1992)
3. SC Res. 917 (6 May 1994)
4. Military Sanctions
5. Diplomatic Sanctions
6. SC Res. 748 (31 March 1992)
7. SC Res. 1054 (26 April 1996)
8. SC Res.277 (18 March 1970)
9. SC Res. 757 (30 May 1992)
10. SC Res. 1127 (28 August 1997)
11. SC Res. 1333 (19 December 2000)
12. International Criminal Prosecution

۳-۳. محدودیت‌های تحریم

مهم‌ترین تأثیر حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بر تحریم‌ها ایجاد محدودیت در اعمال تحریم‌هاست (Bossuyt, 2000:7). در نتیجه، همان‌گونه که در مقدمه ذکر شد اقدامات شورای امنیت دارای محدودیت‌های حقوقی بر مبنای منشور سازمان ملل و یا منابع خارج از منشور مانند حقوق عرفی و حقوق بین‌الملل عمومی است که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود:

۳-۳-۱. تحریم و منشور سازمان ملل

الف) محدودیت‌های ناشی از ماده ۳۹ منشور: ماده ۳۹ منشور سازمان ملل به شورای امنیت اجازه می‌دهد تنها در صورت احراز "تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز" از ماده ۴۱ آن منشور برای "حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی" استفاده نماید. در نتیجه، تحریم‌ها تنها زمانی می‌توانند علیه یک دولت اعمال شوند که آن دولت یا یک بازیگر غیر دولتی قادر به تهدید صلح و امنیت بین‌المللی بوده یا در حال تهدید صلح و امنیت بین‌المللی باشد.

همچنین، "تهدید" نباید بر مبنای انگیزه‌های سیاسی پنهانی احراز شود. باید تهدید جدی و واقعی علیه صلح و امنیت بین‌المللی برای اعمال تحریم وجود داشته باشد و انگیزه اعمال آن ملاحظات سیاسی و داخلی یک یا گروهی از دولت‌ها نباشد. اما متأسفانه در عمل، اعضای شورای امنیت وجود تهدید را بر مبنای منافع و اولویت‌های سیاست خارجی خودشان احراز می‌نمایند.

در مباحث بین‌المللی، در خصوص این که آیا اختیارات شورای امنیت برای احراز تهدید بر اساس اصل ۳۹ منشور را می‌توان محدود کرد، نظرات متفاوتی ابراز شده است. برخی معتقدند که شورای امنیت اختیارات محدودی برای احراز تهدید علیه صلح دارد. در حالی که برخی دیگر معتقدند که اختیارات شورای امنیت برای ارزیابی بر اساس ماده ۳۹ اختیار تام بوده و قابل بررسی قضایی^۱ نیست (Farral, 2008: 70-71).

ب) محدودیت‌های ناشی از ماده ۲۴: ماده ۲۴ منشور از شورای امنیت می‌خواهد "بر اساس اهداف و اصول سازمان ملل عمل نماید". در نتیجه، هیچ عمل شورای امنیت نمی‌تواند خارج از چارچوب اهداف و اصول سازمان ملل باشد (Bossuyt, 2000: 7). گرچه موارد مندرج در اصول و اهداف سازمان ملل بسیار وسیع، انتزاعی و مشمول

1. Justiciable

تفاسیر مختلفی هستند، ولی برخی از دانشمندان حقوق بین‌الملل این اهداف و اصول را به صورت عباراتی عینی و عملی تعریف نموده‌اند که می‌تواند در عمل محدودکننده اقدامات شورای امنیت باشد. به عنوان مثال، شورای امنیت نمی‌تواند حق خودمختاری را نادیده بگیرد یا باید حقوق بنیادین بشر را مورد احترام قرار دهد و مسئولیت‌های خود را با حسن نیت انجام دهد (Farral, 2008: 69-70).

ج) محدودیت ناشی از ماده ۱ منشور: بند یک از ماده یک منشور اقتضاء دارد که تحریم‌ها یا دیگر اقداماتی که شورا برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ می‌نماید براساس اصول عدالت و حقوق بین‌الملل باشند. بنابراین، تحریم‌ها باید مورد ارزیابی قرار گیرند تا ناعادلانه نبوده و ناقض حقوق بین‌الملل نباشند.

بند دوم از ماده یک منشور مستلزم آن است که تحریم‌ها یا هر اقدام دیگر شورای امنیت بر مبنای احترام به اصول تساوی حقوق و خودمختاری ملل باشند. بند سوم ماده یک بر همکاری بین‌المللی در حل معضلات بین‌المللی و بر ارتقا و تشویق احترام به حقوق بشر تأکید می‌نماید.

این اصول دامنه اقدامات شورای امنیت در ارتباط با تحریم را محدود می‌کند به گونه‌ای که شورای امنیت نمی‌تواند دخالت حقوق بشر در رژیم تحریم‌های خود را نادیده بگیرد و باید همواره حقوق بشر مردم کشورهای تحت تحریم را مدنظر داشته باشد.

محدودیت براساس ماده ۵۵: ماده ۵۵ منشور سازمان ملل محدودیت‌های حقوق بشری مندرج در بند ۳ ماده یک را مورد تأکید قرار می‌دهد که اشعار می‌دارد سازمان ملل باید موارد ذیل را ارتقا دهد:

الف) بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛

ب) حل مسائل بین‌الملل اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط به آن‌ها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزش؛

ج) احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب.

بنابراین تحریم‌های سازمان ملل که سطح زندگی اقتصادی را پائین آورده، مشکلات بهداشتی ایجاد نموده و مخل رعایت حقوق بشر باشند ماده ۵۵ منشور را نقض می‌نمایند (Bossuyt, 2000: 7).

۴-۳: مشکلات اجرایی تحریم‌ها

۴-۳-۱: مشکل وتو و نابرابری: امتیاز ویژه‌ای که تحت عنوان حق وتو به ۵ کشور عضو دائم شورای امنیت از میان ۱۹۳ عضو کنونی سازمان ملل داده شده^۱ و در واقع، بزرگ‌ترین مشکل فرایند تصمیم‌گیری در شورای امنیت به‌ویژه تصمیمات آن در خصوص تحریم‌ها محسوب می‌گردد.

موضوع وتو در کنفرانس سانفرانسیسکو مباحث و مذاکرات زیادی را موجب گردید و همچنان این امتیاز ویژه که مغایر برابری حاکمیت دولت‌ها است مورد اعتراض تعداد زیادی از کشورها قرار دارد.

وزیر خارجه وقت استرالیا هربرت ایوات^۲ که در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت کرده بود اظهار داشته است: شورای پیشنهادی "نشانه روشنی برای مدنظر قراردادن منافع انحصاری قدرت‌های بزرگ است و... در نظر دارد تا امتیازات ویژه‌ای که این قدرت‌ها خودشان را به خاطر مشارکت در پیروزی در جنگ دوم جهانی مستحق آن می‌دانند تضمین نماید" (Bosco, 2009: 36).

در نهایت، قدرت فوق‌العاده و امتیازات ویژه شورای امنیت به‌رغم برخی مخالفت‌ها به تصویب رسید. به نوشته یک نشریه کانادایی: "در کنفرانس سانفرانسیسکو هر کسی کار خود را انجام داد. ملت‌های کوچک نهایت اعتراض خود را ابراز کردند و به‌رغم آن، قدرت‌های بزرگ امتیازات خود را گرفتند" (Bosco, 2009: 37). براساس نوشته نیویورک تایمز در آن تاریخ "غالب کشورها با اکراه ایده دیکتاتوری جهانی توسط قدرت‌های بزرگ را پذیرفتند" (Bosco, 2009: 37). امتیاز وتو به عنوان دریچه اطمینانی برای دفاع از منافع بنیادین قدرت‌های بزرگ طراحی شده است نه به عنوان ابزاری برای دستیابی به حل ایده‌آل مسائل (Bosco, 2009: 43).

در چارچوب تحریم‌های سازمان ملل، برابری کشورها مستلزم آن است که در شرایط و موقعیت‌های مشابه تحریم‌های برابری علیه دولت‌ها بدون اعمال هرگونه ملاحظه سیاسی اعمال گردد.

لیکن عملکرد شورا تاکنون وضعیتی کاملاً متفاوت و گزینشی و تابع استانداردهای دوگانه را به نمایش می‌گذارد!

1. UN Charter, Article 27.3

2. Herbert Evatt

ماده ۲ منشور اشعار می‌دارد که سازمان ملل بر اصل برابری حاکمیت همه اعضای آن مبتنی است. ولی در عمل، ایده برابری به شدت با مواد ۲۳ و ۲۷ همین منشور مخدوش شده است.^۱

اعضای سازمان ملل همواره مشکل نابرابری در فرایند تصمیم‌گیری شورای امنیت به‌ویژه تصمیم‌گیری در خصوص تحریم‌ها را متذکر شده‌اند.

حضور نامتوازن کشورها در ارکان اصلی سازمان ملل مانند شورای امنیت بیانگر جنبه دیگر نابرابری در سازمان ملل محسوب می‌شود. شورای امنیت متشکل از ۱۵ عضو می‌باشد که ۵ کشور دائم بوده و ۱۰ کشور دیگر توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. سه کشور از ۵ کشوری که واجد حق وتو هستند از کشورهای غربی هستند. ترکیب اعضای شورا و عدم توازن در توزیع قدرت حقوقی میان اعضا تأثیر منفی بر رژیم تحریم‌های شورای امنیت داشته و یکی از مهم‌ترین مشکلات مرتبط با تحریم‌ها می‌باشد.

نقص ساختاری شورای امنیت یعنی حق وتو مانع اصلی در اصلاح واقعی موضوع تحریم‌ها است. وتو یکی از پایه‌هایی است که براساس آن سازمان ملل بنا شده است و همین موضوع موجب عقیم شدن تمامی تلاش‌های بین‌المللی در اصلاح ساختار سازمان ملل است. زیرا اعضای دائم شورای امنیت می‌توانند هر تلاش برای ایجاد محدودیت‌های

۱. ماده ۲۳-۱. شورای امنیت مرکب است از پانزده عضو سازمان ملل متحد. جمهوری چین، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (فدراسیون روسیه)، بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا اعضای دائم شورای امنیت هستند. مجمع عمومی ده عضو دیگر سازمان را بالاخص باتوجه به شرکت اعضای سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و سایر هدف‌های سازمان در درجه اول و همچنین با توجه به تقسیم عادلانه جغرافیایی به عنوان اعضای غیردائم شورای امنیت انتخاب می‌نماید.

۲. اعضای غیردائم شورای امنیت برای یک دوره دوساله انتخاب می‌گردند. مع‌ذک در نخستین انتخاب اعضای غیردائم پس از افزایش عده اعضای شورای امنیت از یازده به پانزده دو عضو از چهار عضو اضافه شده برای یک دوره یک ساله انتخاب می‌شوند.

ماده ۲۷-۱. هر عضو شورای امنیت دارای یک رأی است.

۲. تصمیمات شورای امنیت راجع به مسائل مربوط به آئین کار با رأی نه (۹) عضو اتخاذ می‌شود.

۳. تصمیمات شورای امنیت راجع به سایر مسائل با رأی مثبت نه (۹) عضو که شامل آرای تمام اعضای دائم باشد اتخاذ می‌گردد به این شرط که در مورد تصمیماتی که به موجب مندرجات فصل ششم و بند سوم از ماده ۵۲ اتخاذ می‌شود طرف دعوی از دادن رأی خودداری نماید.

هنجاری درخصوص اعمال قدرت‌شان ذیل فصل هفت منشور را وتو نمایند (Farral, 2010:246)

پطرس غالی دبیرکل سابق سازمان ملل در کتاب خاطرات خود درخصوص تحریم‌های شورای امنیت علیه لیبی در سال ۱۹۹۳ می‌نویسد:

"به عنوان دبیرکل سازمان ملل موظف بودم قطعنامه‌های شورای امنیت را اجرا کنم ولی به عنوان یک دانش آموز قدیمی حقوق بین‌الملل برای چنین وضعیتی متأسف بودم. زیرا هم موجب بی‌اعتباری حقوق بین‌الملل بود و هم سازمان ملل را نه به عنوان سازمان حاکمیت‌های برابر بلکه به عنوان یک ابزار سیاسی قدرت‌های بزرگ به نمایش می‌گذاشت" (Boutros-Ghali, 1999:192).

۲-۴-۳. فقدان شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری درخصوص تحریم‌ها

در چارچوب تصمیم‌گیری درخصوص تحریم‌های سازمان ملل، نگرانی‌هایی درخصوص فقدان شفافیت در سازوکار اعمال تحریم ابراز شده است. مسائلی درخصوص تبادل اطلاعات و فقدان شفافیت در رژیم‌های تحریم در خلال سه فرایند چندجانبه (که در مقدمه به آن‌ها اشاره گردید) مورد بررسی قرار گرفتند.

گرچه شورای امنیت مسئولیت احراز یک وضعیت به عنوان تهدید علیه صلح یا نقض صلح برای اعمال تحریم و اجرای آن را برعهده دارد، ولی مسئولیت اجرای روزانه تحریم‌ها به کمیته تحریم واگذار می‌شود که به عنوان رکن فرعی شورای امنیت عمل می‌نماید. اکثر فعالیت‌های کمیته تحریم در نشست‌های مشورتی غیررسمی صورت می‌گیرد که پشت درهای بسته و بدون صورت جلسه مذاکرات برگزار می‌شود.

تصمیمات کمیته‌های تحریم به ندرت واجد توضیحات یا توجیهاتی نسبت به علل اخذ این تصمیمات هستند و در بسیاری موارد حتی طرف‌های ذی‌ربط از تصویب این تحریم‌ها مطلع نمی‌شوند. موارد متعددی وجود داشته است که افراد تحت تحریم که توسط کمیته‌های تحریم در لیست تحریم قرار گرفتند اطلاعات مربوط به خود را از منابع غیررسمی کسب کرده‌اند. کشورهای غیرعضو کمیته تحریم از جمله افراد یا دولت‌های تحت تحریم راهی برای ارزیابی اصول راهنمای تصمیمات کمیته‌های تحریم ندارند. این امر منجر شده است که فرایند تصمیم‌گیری در این کمیته‌ها سیاسی توصیف شده که برخی اوقات موجب شگفتی ناظران می‌شود.

در روزهای اولیه کار شورای امنیت معمول این بود که اعضای شورای امنیت در جلسات باز و عمومی مذاکره می‌کردند. با گذشت زمان، اعضای شورای امنیت ترجیح دادند که جلسات محتوایی خود را به‌طور خصوصی برگزار نمایند. مشورت بین اعضای

شورای امنیت یک امر خصوصی و داخلی شد که رسماً ثبت نمی‌شود و حضور در این جلسات به شدت تحت کنترل قرار دارد.

با توجه به این که تصمیمات شورای امنیت تحت فصل ۷ منشور تأثیرات عمیق و گسترده‌ای بر اعضای سازمان ملل دارد و تصمیمات فوق براساس ماده ۲۵ منشور تعهد کلیه کشورها محسوب می‌شوند، لذا کلیه اعضا محق هستند انتظار داشته باشند که اکثر مذاکرات و مباحث شورا یا در جلسات باز صورت بگیرد یا آن که صورت جلسه مذاکرات در دسترس همگان قرار داده شود.

فرایند تصمیم‌گیری در کمیته‌های تحریم شورای امنیت از شفافیت لازم برخوردار نیست (Conlon, 2001: 33,36). این کمیته‌ها تمایل به برگزاری جلسات در پشت درهای بسته و عدم ثبت مذاکرات برای استفاده همگان را دارد.

با اذعان به این امر، رئیس دوره‌ای شورای امنیت در مارس ۱۹۹۵ یادداشتی را به هدف افزایش شفافیت انتشار داد.^۱ متعاقب این یادداشت، پیشنهادات دیگری در سال ۱۹۹۹ ارائه گردید.^۲ در سال ۲۰۰۶، "گروه کاری غیر رسمی شورای امنیت درخصوص مسائل کلی تحریم‌ها"^۳ نیز اقدامات خاصی را برای افزایش شفافیت کمیته‌های تحریم پیشنهاد کرد.

این گروه کاری گزارش نمود: "افزایش مبادله اطلاعات در فرایند تحریم‌ها شفافیت را افزایش داده و در اجرای بهتر اقدامات تحریمی سهیم خواهد بود. به علاوه، ارائه اطلاعات بیشتر به مردم کشورهای تحت تحریم درخصوص دامنه و اهداف تحریم‌ها آسیب‌پذیری آنان را در قبال تبلیغات ضد تحریم کاهش خواهد داد."^۴

تحریم و حقوق بشر

۱. اسناد و نهادهای حقوق بشر و تحریم

همچنان که در بخش پیشین ذکر شد، افزایش اعمال تحریم توسط شورای امنیت به‌ویژه تحریم‌های همه‌جانبه علیه چند کشور و بروز عوارض جانبی منفی بر شهروندان عادی این کشورها موضوع انطباق این تحریم‌ها با حقوق بشر و اسناد حقوق بشری را

1. (S/1995/234 (29 March 1995)

2. (S/1999/92 (29 January 1999)

3. The Informal Working Group of the Security Council on General Issues of Sanctions

4. Report of the informal Working Group of the Security Council on General Issues of Sanctions, S/2006/997, p.9

مورد سؤال قرار داده است. در این بخش به موضوع اسناد حقوق بشری و تحریم پرداخته می‌شود.

۱-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر: در حالی که تمامی بندهای این اعلامیه به‌عنوان یکی از اسناد اصلی حقوق بشری باید در اعمال تحریم مورد توجه قرار گیرد، برخی از اصول این اعلامیه در ارتباط با تحریم‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند. این اصول عبارتند از: حق حیات (ماده ۳)، حق آزادی از رفتار غیرانسانی یا تحقیرآمیز (ماده ۵)، حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی از جمله غذا، مسکن و مراقبت‌های پزشکی (ماده ۲۵). ماده اخیرالذکر همچنین حق تأمین اجتماعی را در صورت فقدان معیشت در شرایط خارج از اراده فرد و حق مراقبت ویژه مادران و کودکان ایجاد می‌کند.

۱-۲. میثاق حقوق سیاسی و مدنی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: دو میثاق فوق‌الذکر حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر را مورد تأکید قرار می‌دهند. حق برخورداری از استاندارد مناسب زندگی (ماده ۱۱)، حق بهداشت (ماده ۱۲)، حق آموزش (ماده ۱۳) و حق حیات (ماده ۶ میثاق حقوق سیاسی و مدنی). ماده ۴ میثاق اخیرالذکر مشتمل بر مفهوم عدم عدول از برخی حقوق اساسی افراد است. کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که نهاد ناظر بر اجرای میثاق مربوطه است در نظریه تفسیری شماره ۸ مورخ ۱۹۹۷ تحت عنوان ارتباط بین تحریم‌های اقتصادی و احترام به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اظهار داشته است: "تحریم‌های اقتصادی باید همواره اصول مندرج در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مدنظر داشته باشند. این کمیته به هیچ‌وجه قصد زیر سؤال بردن لزوم اعمال تحریم در موارد مقتضی براساس فصل ۷ منشور سازمان ملل یا سایر حقوق بین‌الملل ذی‌ربط را ندارد، ولی آن اصول منشور که به موضوع حقوق بشر مرتبط هستند (مواد ۱، ۵۵ و ۵۶) می‌بایست مورد توجه قرار گیرند تا تحریم‌ها قابل اعمال گردند".^۱

نظریه تفسیری فوق می‌افزاید:

در حالی که تأثیر تحریم‌ها از پرونده‌ای به پرونده دیگر متفاوت است، این کمیته بر این باور است که تحریم‌ها همواره بر حقوق شناسایی‌شده در میثاق تأثیر منفی دارند. به عنوان مثال، تحریم‌ها غالباً در توزیع مواد غذایی، دارو و مواد بهداشتی اختلال ایجاد می‌کنند و کیفیت غذا و دسترسی به آب آشامیدنی را به خطر می‌اندازند و به شدت در

1. Committee on Economic, Social and Cultural Rights, *General Comment No.8*, document E/C.12/1997/8

کارآیی سیستم‌های آموزشی و بهداشت اولیه اخلاص ایجاد می‌کنند و به حق کار آسیب وارد می‌کنند. به‌طور ناخودآگاه تحریم‌های اقتصادی می‌توانند منجر به استحکام قدرت اقشار سرکوب‌گر، پیدایی قطعی بازار سیاه و ایجاد منفعت بادآورده برای رانت‌خواران... شوند.^۱

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استدلال می‌کند که اصول میثاق که در تعدادی دیگر از اسناد حقوق بشری نیز تکرار شده است قابل اجرا در شرایط تحریم‌های اعمالی توسط شورای امنیت هستند و این حقیقت که ملاحظه صلح و امنیت بین‌المللی مستلزم اعمال تحریم است توجیه‌کننده عدم اجرای حقوق بشر نیست. این کمیته در پایان نظریه تفسیری خود نتیجه می‌گیرد:

"همچنان که جامعه بین‌المللی اصرار می‌کند که هر کشور تحت تحریم باید به حقوق سیاسی و مدنی شهروندانش احترام بگذارد به همین اندازه آن دولت و جامعه بین‌المللی می‌بایست هر اقدام ممکن را برای حمایت از مردم آسیب‌دیده انجام دهد."^۲

۱-۳. نظرات کمیسیون فرعی ارتقا و حمایت از حقوق بشر: کمیسیون فرعی ارتقا و حمایت از حقوق بشر^۳ طی قطعنامه‌ای در سال ۱۹۹۷ تحت عنوان "عواقب ناگوار تحریم‌های اقتصادی بر بهره‌مندی از حقوق بشر" اظهار داشته است که تحریم‌های اقتصادی "به صورت بسیار جدی بر مردم بی‌گناه به‌ویژه ضعفا، فقرا، زنان و کودکان تأثیر منفی می‌گذارد و... اختلاف در توزیع درآمدها را وخیم‌تر می‌کند". کمیسیون مذکور از تمامی کشورهای ذی‌ربط درخواست نمود تا تصویب تحریم‌های اقتصادی را مورد تجدید نظر قرار دهند.^۴ مصوبه سال ۱۹۹۹ کمیسیون فرعی مجدداً تصریح کرد که اقداماتی نظیر تحریم‌های اقتصادی باید محدودیت زمانی داشته و به هیچ‌وجه به شهروندان بی‌گناه صدمه وارد نسازند. در این چارچوب، کمیسیون فرعی نیاز به "احترام به منشور سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق بشر و اصول مربوطه کنوانسیون ۱۹۴۹ و دو پروتکل اضافی که گرسنگی جمعیت غیرنظامی و تخریب ضروریات زندگی را ممنوع کرده است مورد تأکید قرار داد."^۵

1. Ibid, p.2.

2. Ibid.

۳. پس از تأسیس شورای حقوق بشر این کمیسیون به نام ارگان مشورتی شورای حقوق بشر تغییر نام یافته است.

۴. قطعنامه کمیسیون فرعی شماره ۱۹۹۷/۳۵

۵. مصوبه کمیسیون فرعی شماره ۱۹۹۹/۱۱۰

در آگوست سال ۲۰۰۰ کمیسیون فرعی قطعنامه جدیدی را در خصوص "حقوق بشر و عواقب بشردوستانه تحریم‌ها از جمله تحریم‌های اقتصادی" به تصویب رساند که در آن از کمیسیون حقوق بشر درخواست شد تا توصیه‌های زیر را ارائه نماید: ۱. تمامی نهادهای مربوط، ارگان‌ها و آژانس‌های سازمان ملل اصول حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را رعایت و اجرا نمایند. ۲. شورای امنیت در گام اول استفاده از سازوکار تحریم‌ها را کاهش داده و از طریق تجویز واردات کالاهای مدنی به‌ویژه تضمین دسترسی به غذا و کالاهای پزشکی و دارویی و سایر محصولات حیاتی برای بهداشت مردم در تمامی موارد تأثیر منفی آن را بر شهروندان از بین ببرد. در همین قطعنامه کمیسیون فرعی "جامعه بین‌المللی را به اتخاذ اقدامات سریع و مناسب برای کاهش آلام مردمی که تحت تأثیر تحریم‌های اعمال شده علیه کشورشان قرار گرفته‌اند به‌ویژه از طریق تسهیل توزیع غذا و کالاهای پزشکی و دارویی ترغیب می‌نماید" و "دولت‌های تحت تحریم و همچنین کشورهایی که مسئول اجرای این تحریم‌ها هستند را ترغیب نمود که به تعهدات حقوق بشری و تعهدات صلح و امنیت بین‌المللی خود احترام گذاشته و از هر وسیله موجود برای کاهش بحران بشردوستانه در کشورهای تحت تحریم استفاده نمایند".^۱

۴-۱. اصول حقوق بشر دوستانه: سازوکار تحریم که در دوران جنگ یا در نتیجه یک جنگ اعمال می‌شود تحت اصول حقوق بشردوستانه قرار می‌گیرد. براساس حقوق بشردوستانه مردمان غیرنظامی باید تا حد امکان از صدمات جنگ در امان باشند. کنوانسیون‌های ژنو اصول متعددی را در ارتباط با اعمال تحریم‌ها در بر دارند. به عنوان مثال، کنوانسیون‌های ژنو عبور آزادانه امکانات پزشکی و وسایل ضروری برای عبادت مذهبی را الزامی می‌دانند.^۲ این کنوانسیون‌ها همچنین قوانینی را برای کاروان‌های پزشکی و کاروان‌های خروج مردم از صحنه درگیری وضع کرده‌اند.^۳ تحریم‌های الزام‌آور اقتصادی باید منطبق با حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه باشند. نکته مهم در برنامه‌های تحریم اقتصادی تحت فصل ۷ منشور عدم توانایی شورای امنیت برای رعایت استانداردهای حقوق بین‌الملل به‌ویژه اصول تناسب و تبعیض در تعریف و اعمال تحریم‌ها است. در دو مورد عراق و هائیتی، شورا صراحتاً به تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر

۱. قطعنامه کمیسیون فرعی شماره ۲۰۰۰/۱

۲. کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۲۳

۳. کنوانسیون چهارم ژنو، مواد ۲۱-۲۲

شهروندان کشور تحت تحریم اذعان نمود که باید این موضوع در تصمیم‌گیری شورا مد نظر قرار گیرد (Reisman & Stevick, 1998: 84-141)

به‌طور بالقوه، تحریم‌ها می‌توانند مخرب‌تر از جنگ باشند. اجازه‌دادن به بازیگران یک‌جانبه یا چندجانبه به اعمال تحریم‌های اقتصادی بدون توجه به صدمات جانبی آن‌ها به اهداف بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی آسیب وارد می‌سازد. همچنین، تحریم‌های اقتصادی تنها زمانی می‌توانند استفاده شوند که قادر به تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان باشند.

در ۲۲ جولای ۲۰۱۱ گزارشگر ویژه حق غذا شورای حقوق بشر در یک کنفرانس مطبوعاتی در ماداگاسکار اظهار داشت که نتیجه تحریم‌ها این است که "ماداگاسکار یکی از بالاترین سطوح سوء‌تغذیه کودکان در جهان را دارد که قابل مقایسه با افغانستان یا یمن است". وی افزود که تمامی شاخص‌های عدم امنیت غذایی در ماداگاسکار قرمز هستند!^۱

۲. بررسی یک پرونده تحریم: عراق ۲۰۰۳-۱۹۹۰

چهار روز پس از اشغال کویت توسط عراق، شورای امنیت در روز ۶ آگوست ۱۹۹۰، با تصویب قطعنامه ۶۶۱، اعمال تحریم‌های جامع علیه آن کشور را آغاز نمود. هدف این تحریم‌ها واداشتن عراق به عقب‌نشینی از کویت بود ولی حتی پس از اخراج آن کشور از کویت توسط عملیات نظامی (جنگ خلیج فارس) این تحریم‌ها باقی ماندند! در این مرحله هدف شورای امنیت از استمرار و ابقای تحریم‌ها ایجاد کمیسیون گرامت (برای پرداخت گرامت به کویت و اتباع سایر کشورهای همسایه که از اشغال عراق متضرر شده بودند) و خلع سلاح عراق از تسلیحات هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک و همچنین موشک‌های بالستیک با برد بیش از ۱۵۰ کیلومتر بود.

تحریم‌های اعمال‌شده علیه عراق ناشی از قطعنامه ۶۶۱ و قطعنامه‌های دیگری که متعاقباً به تصویب شورا رسیدند شامل موارد زیر بودند:

- تمامی کشورهای عضو سازمان منع شدند از: ۱. واردات هر نوع کالا یا محصول از مبدأ عراق ۲. هرگونه فعالیت به هدف ارتقای صادرات از عراق فارغ از نوع کالا ۳. صادرات هر نوع کالا یا محصول به عراق ۴. ارائه هر نوع خدمات تجاری، صنعتی یا عمومی به دولت عراق ۵. پرواز هواپیما به عراق یا کویت و یا پرواز از فراز این دو کشور.

1. UN News Center, 22 July 2011

براساس قطعنامه ۶۸۷ مصوب سال ۱۹۹۱، تمامی کشورها موظف شدند که مانع از فروش، خرید یا تهیه هر نوع سلاح به دولت عراق گردند.

براساس قطعنامه ۷۷۸ مصوب سال ۱۹۹۲، از تمامی کشورها خواسته شد کلیه وجوه متعلق به دولت عراق ناشی از فروش نفت در آن کشورها به صندوق برنامه نفت برای غذا که تحت اختیار سازمان ملل بود واریز گردد.

تحریم‌های گسترده فوق‌الذکر موجب نگرانی فزاینده درخصوص وضعیت انسانی در عراق گردید. در نتیجه، سازمان ملل متحد پیشنهاد نمود اقدامات لازم برای اجازه به عراق برای فروش مقدار محدودی از نفت به منظور برآورده کردن نیازهای مردم آن کشور انجام گیرد. دولت عراق این تلاش‌ها را که به‌طور خاص، در قطعنامه‌های ۷۰۶ (۱۹۹۱) و ۷۱۲ (۱۹۹۱)، به آن‌ها اشاره شده بود، نپذیرفت.

در ۱۴ آوریل ۱۹۹۵، با اقدام براساس فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت قطعنامه ۹۸۶ را تصویب نمود که بر اساس آن برنامه "نفت برای غذا"^۱ مورد توافق قرار گرفت که به عراق فرصت دیگری برای فروش نفت برای تأمین مالی خرید بشردوستانه اعطا کرد. این برنامه، آن چنان که مدنظر شورای امنیت سازمان ملل بود مقرر بود که یک اقدام موقتی برای تأمین نیازهای انسانی مردم عراق، تا اجرای قطعنامه‌های مرتبط شورای امنیت، از جمله قطعنامه ۶۸۷ (۱۹۹۱) باشد.

به‌رغم تصویب برنامه فوق در آوریل ۱۹۹۵، اجرای این برنامه در دسامبر سال ۱۹۹۶ پس از امضای یادداشت تفاهم (MOU) بین سازمان ملل متحد و دولت عراق در ۲۰ ماه مه ۱۹۹۶ آغاز شد.^۲ اولین محموله نفت عراق تحت برنامه نفت برای غذا در دسامبر ۱۹۹۶ صادر شد و اولین محموله از مواد غذایی در مارس ۱۹۹۷ واصل گردید.

تا ۲۰ مارس ۲۰۰۳ (شروع جنگ و خاتمه صادرات نفت عراق تحت این برنامه)، برنامه نفت برای غذا با اجازه شورای امنیت به‌طور انحصاری از درآمد حاصل از صادرات نفت عراق تأمین می‌شد.

در مراحل اولیه این برنامه، به عراق اجازه داده شد با فروش ۲ میلیارد دلار نفت در هر شش ماه، دو سوم این مبلغ را برای تأمین نیازهای انسان‌دوستانه مردم عراق هزینه نماید. در سال ۱۹۹۸، محدودیت صدور نفت عراق به ۵،۲۶ میلیارد دلار در هر شش ماه افزایش یافت که دو سوم از آن مبلغ برای تأمین نیازهای انسانی مردم عراق

1. Oil-For-Food-Programme

2. S/1996/356

اختصاص یافت. در دسامبر ۱۹۹۹، سقف صادرات نفت عراق تحت این برنامه توسط شورای امنیت برداشته شد.

به منظور اجرای برنامه مذکور، سازمان ملل مبادرت به تأسیس یک دفتر تحت عنوان "دفتر برنامه عراق"^۱ نمود. این دفتر توسط یک مدیر اجرایی اداره می‌گردید که مسئول مدیریت و هماهنگی کلی فعالیت‌های انسان‌دوستانه سازمان ملل متحد در عراق تحت قطعنامه‌های ۶۶۱ (۱۹۹۰) و ۹۸۶ (۱۹۹۵) و سازوکارهای ایجاد شده توسط شورای امنیت و کمیته تحریم قطعنامه ۶۶۱ (۱۹۹۰) و همچنین یادداشت تفاهم بین سازمان ملل متحد و دولت عراق (می ۱۹۹۶) بود.

دفتر برنامه عراق، برنامه نفت برای غذا را به عنوان یک عمل جداگانه و متمایز از دیگر فعالیت‌های سازمان ملل متحد در چارچوب رژیم تحریم که در چارچوب اختیارات کمیسیون تحقیق و نظارت سازمان ملل،^۲ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد قرار می‌گیرند مدیریت می‌کرد.

آژانس‌های سازمان ملل متحد که در این برنامه مشارکت داشتند عبارت بودند از: فائو، یونسکو، سازمان بهداشت جهانی، اتحادیه بین‌المللی تلگراف، صندوق کودکان سازمان ملل، صندوق توسعه سازمان ملل، برنامه جهانی غذا، دفتر سازمان ملل برای خدمات پروژه^۳ و هبیتات.

تا بیست‌وهشتم می ۲۰۰۳، حدود ۲۸ میلیارد دلار کالای بشردوستانه و تجهیزات تحت برنامه نفت در برابر غذا به عراق تحویل داده شد، از جمله مبلغ ۱٫۶ میلیارد دلار که به صنعت نفت، قطعات یدکی و تجهیزات آن اختصاص داده شد. همچنین ۱۰ میلیارد دلار به تولید و تحویل خط لوله اختصاص یافت.

آخرین گزارش دبیر کل سازمان ملل درخصوص برنامه نفت برای غذا که در ۱۲ نوامبر ۲۰۰۲ انتشار یافت پیشرفت‌ها، کمبودها و مشکلات در وضعیت بشردوستانه عراق را این‌گونه ذکر نموده است:

"برنامه بشردوستانه در عراق که متعاقب قطعنامه (۱۹۹۵) ۹۸۶ شورای امنیت آغاز شده است هرگز جایگزین فعالیت‌های اقتصادی طبیعی و عادی عراق نخواهد بود. اما تا زمانی که تحریم‌های همه‌جانبه علیه این کشور وجود دارند تنها راه برای رسیدگی

1. Office of the Iraq Programme

2. UNMOVIC (The United Nations Monitoring, Verification and Inspection Commission)

3. UNOPS

به وضعیت بشردوستانه در عراق همین برنامه خواهد بود. به‌رغم کاستی‌های موجود، این برنامه تأثیر زیادی در زندگی مردم عادی عراق داشته و خواهد داشت... در حالی که به دلایل قابل فهم، مباحث جاری برای از سرگیری سازوکار بازرسی تسلیحات تمرکز یافته است من از تمامی طرف‌های ذی‌ربط می‌خواهم که بر ابعاد بشردوستانه نیز تمرکز کرده و از هیچ تلاشی برای تأمین نیازهای ضروری بشردوستانه مردم عراق فروگذار نکنند.^۱ در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۰۳، دبیر کل سازمان ملل متحد اعلام کرد که با توجه به هشدار دریافت شده از دولت‌های بریتانیا و ایالات متحده و دورنمای جنگ، ادامه ایمنی و امنیت کارکنان سازمان ملل متحد دیگر در خاک عراق وجود ندارد و لذا کارکنان بین‌المللی سازمان ملل متحد در عراق ۱۸ مارس ۲۰۰۳ از آن کشور خارج شدند. در ۱۹ مارس ۲۰۰۳، جنگ در عراق با بمباران بغداد آغاز شد.

قطعه‌نامه (۱۴۷۲) به اتفاق آرا توسط شورای امنیت در تاریخ ۲۸ مارس ۲۰۰۳ به تصویب رسید. تنظیم برنامه نفت برای غذا و دادن اختیارات به دبیرکل به منظور تسهیل دریافت و تحویل کالا توسط دولت عراق برای تأمین نیازهای انسانی از مفاد این قطعه‌نامه بوده‌اند. شورای امنیت تحریم‌های غیرنظامی در عراق را در ۲۲ مه ۲۰۰۳ با تصویب قطعه‌نامه ۱۴۸۳ (۲۰۰۳) ملغی نمود. این قطعه‌نامه به دبیرکل سازمان ملل اجازه داد تا یک نماینده ویژه برای کار با نیروهای اشغالگر در بازسازی عراق تعیین نماید. این قطعه‌نامه همچنین راه را برای از سرگیری صادرات نفت باز کرد و خاتمه برنامه نفت برای غذا ظرف شش ماه را اعلام نمود.

۲-۱. تأثیر تحریم بر شهروندان

همان‌گونه که توسط آژانس‌های سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های حقوق بشری و بشردوستانه به طور مستند ذکر گردید، تحریم‌ها در عراق موجب فاجعه بشری قابل مقایسه با بدترین فجایع دهه‌های گذشته شد. مناقشه زیادی در ارتباط با تعداد دقیق مرگ ناشی از تحریم‌ها وجود دارد که از نیم میلیون تا یک‌ونیم میلیون که اکثریت را کودکان تشکیل می‌دهند برآورد شده است.

در سال ۱۹۹۹ یونیسف پس از انجام تحقیقات درخصوص مرگ‌ومیر کودکان و مادران در عراق، نتیجه‌گیری نمود که در مناطق پرجمعیت جنوب و مرکز کشور کودکان زیر ۵ سال دو برابر نرخ مرگ‌ومیر ۱۰ سال پیش دچار مرگ شده‌اند.^۲ یک

1. S/2002/1239

2. UNICEF Press Release CF/DOC/PR/1999/29

کارشناس درخصوص اثرات تحریم بر شهروندان اظهار داشته است که "علل اصلی افزایش مرگومیر کودکان شامل آب آشامیدنی آلوده، فقدان غذای با کیفیت، کمبود شیر مادران و کمبود امکانات مراقبت‌های بهداشتی بوده است. فقدان غذای ناشی از تحریم‌ها ۳۲ درصد کالری سرانه را در مقایسه با وضعیت قبل از جنگ خلیج فارس کاهش داده است" (Garfield, 1999:10).

به دلیل فقدان امکانات پزشکی، از شروع تحریم تا سال ۱۹۹۷، ۳۰ درصد از تخت‌های بیمارستانی غیرقابل استفاده شدند، ۷۵ درصد از تجهیزات بیمارستانی فاقد کارایی شده و ۲۵ درصد کل مراکز درمانی عراق بسته شدند.^۱ پانل کارشناسی شورای امنیت که برای نظارت بر اجرای قطعنامه‌های تحریم تشکیل شده است در گزارش خود وضعیت درمانی و بهداشتی عراق را چنین توصیف کرده است:

"در تقابل واضح با وضعیت ماقبل ۱۹۹۱-۱۹۹۰، نرخ مرگومیر نوزادان در عراق امروزه در زمره بالاترین نرخ در جهان است. وزن پائین نوزادان در هنگام تولد حداقل ۲۳ درصد از ولادت‌ها را تحت تأثیر قرار داد، سوء تغذیه مزمن یک چهارم کودکان زیر ۵ سال را در بر می‌گیرد. تنها ۴۱ درصد از کل جمعیت کشور به‌طور منظم به آب آشامیدنی دسترسی دارند و ۸۳ درصد از مدارس نیازمند تعمیرات اساسی هستند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اظهار داشته است که سیستم مراقبت بهداشتی عراق امروزه در وضعیت فرسودگی قرار دارد. برنامه توسعه سازمان ملل نتیجه‌گیری نمود که ۷ میلیارد دلار نیاز است تا بخش برق کشور به ظرفیت قبل از ۱۹۹۰ برسد."^۲

دبیرکل سازمان ملل نیز در گزارش خود در مارس ۲۰۰۰ نگرانی ویژه‌ای را در ارتباط با وضعیت ناگوار کودکان عراقی ابراز داشت.^۳

بحران بهداشت در عراق با سایر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در آن کشور همراه بود. گرچه از میزان مرگومیر به خاطر معافیت‌های بشردوستانه کاسته شد ولی نقض سیستماتیک و گسترده سایر حقوق مردم عراق به دلیل تحریم همچنان باقی بود. به عنوان مثال قدرت خرید درآمد مردم اواسط ۱۹۹۰ حدود ۵ درصد خرید قبل از سال ۱۹۹۰ بوده است.^۴ همچنان که برنامه توسعه سازمان ملل اظهار داشت: "عراق تغییر از

1. Ibid.

2. Report of the Second Panel Established Pursuant to the Note by the President of the Security Council of 30 January 1999 (S/1999/100)

۳. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: بیانیه مطبوعاتی دبیرکل شماره ۳۳۳۸، مورخ ۲۴ مارس ۲۰۰۰

4. UNICEF, Situation Analysis of Children and Women in Iraq, Baghdad, 30 April 1998.

رفاه نسبی به فقر گسترده را تجربه کرده است.^۱ پیشرفت‌های گذشته در آموزش و سوادآموزی کاملاً طی ۱۰ سال گذشته معکوس گردید. دنیس هالیدی^۲ معاون سابق دبیرکل و هماهنگ‌کننده امور بشردوستانه در عراق پس از استعفای خود از این پست در سال ۱۹۹۸ اظهار داشت:

"تحریم‌ها تأثیر جدی بر کل سیستم خانواده در عراق گذاشته است. ما شاهد افزایش خانواده‌های تک‌والدینی هستیم که غالباً مادرانی هستند که دست تنها در تکاپو هستند. طلاق‌ها افزایش یافته است. بسیاری از خانواده‌ها مجبور هستند خانه‌ها، لوازم منزل و دیگر مایملک خود را بفروشند تا غذا تهیه کنند که این امر منجر به بی‌خانمانی شده است. بسیاری به فحشا متوسل شدند."^۳

به علاوه به دلیل تحریم، آمار جرم و جنایت در عراق افزایش یافت و مهاجرت به خارج از کشور به اوج خود رسید. تحقیقات نشان داده است که تحریم‌ها تأثیرات شدیداً منفی بر جنبه‌های بهداشتی و اجتماعی زنان داشته‌اند زیرا همواره زنان بخش عمده فشار نابسامانی و طغیان اقتصادی و اجتماعی را بردوش دارند (Al-Ali, 2000:73-84). لازم به ذکر است که به دلیل اثرات مخرب تحریم‌ها، سه مقام سازمان ملل که برای هماهنگی امور بشردوستانه عراق تعیین شده بودند استعفا دادند. اول آقای دنیس هالیدی همچنان که در بالا ذکر شد در سپتامبر ۱۹۹۸ استعفا داد. وی در بیان دلایل استعفای خود اظهار داشت: "ما در فرایند نابودی کل یک جامعه هستیم. به همین سادگی و هولناکی. این امر غیرقانونی و غیراخلاقی است."^۴ نفر دوم جانشین آقای هالیدی آقای هانس فون اسپونک^۵ بود که در ۱۳ فوریه ۲۰۰۰ استعفا داد و اظهار داشت که دیگر نمی‌تواند به برنامه‌ای مرتبط باشد که رنج مردم را طولانی ساخته و حتی نمی‌تواند مایحتاج اولیه مردم را برآورده سازد.^۶ دو روز بعد یعنی در ۱۵ فوریه ۲۰۰۰ آقای جوتا بیورگارد^۷ رئیس برنامه جهانی غذا در عراق استعفا داد و اظهار داشت: "من هر آنچه که آقای فون اسپونک گفته است را کاملاً حمایت می‌کنم."^۸

1. S/1999/356, annex II.

2. Denis Halliday

۳. رجوع شود به سخنرانی آقای دنیس هالیدی در کنگره آمریکا در ۶ اکتبر ۱۹۹۸

۴. روزنامه ایندپندنت ۱۵ اکتبر ۱۹۹۸

5. Hans von Sponeck

۶. خبرگزاری رویتر ۱۷ فوریه ۲۰۰۰

7. Jutta Burghardt

۸. واشنگتن پست ۱۷ فوریه ۲۰۰۰

۲-۲: نظرات نهادهای حقوق بشری در خصوص تحریم عراق

اعتراض به تحریم‌های عراق از همه جوانب انجام گرفت. دبیر کل وقت سازمان ملل در خط مقدم این اعتراض‌ها قرار داشت که اتهامات جدی علیه سازوکار تحریم در گزارش خود به شورای امنیت در تاریخ ۱۰ مارس ۲۰۰۰ وارد ساخت. دو هفته بعد دبیرکل اظهار داشت: "شورای امنیت باید پیگیر فرصتی برای کاهش آلام مردم عادی باشد که در نهایت هدف اصلی تحریم‌ها نیستند".^۱

در سال ۱۹۹۷ کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اظهار داشت:

"سطح زندگی بخش بزرگی از مردم عراق به سطح قوت لایموت از زمان اعمال تحریم تقلیل یافته است... به‌رغم تأثیر تحریم، دولت عضو میثاق همچنان مسئول اجرای تعهداتش با استفاده حداکثر از منابع موجود است. کمیته با آگاهی از این امر که تحریم شرایط فوق‌العاده سختی را بر دسترسی به غذا، دارو، و اقلام بهداشتی ایجاد کرده است، به عراق توصیه می‌نماید که تمامی اقدامات ضروری را برای تأمین نیازهای مردم به ویژه گروه‌های آسیب‌پذیر مانند کودکان، سالمندان و مادران بنماید".^۲

همچنین در سال ۱۹۹۷، کمیته حقوق بشر اظهار داشت: "تأثیر تحریم مرگ و رنج به ویژه برای کودکان در عراق ایجاد کرده است".^۳

در ۱۹۹۸، کمیته حقوق کودک شناسایی نمود که تحریم اقتصادی علیه عراق:

"تأثیر منفی بر اقتصاد و بسیاری از جنبه‌های زندگی روز مره عراق گذاشته است که در نتیجه آن بهره‌مندی مردم کشور عضو کنوانسیون به‌ویژه کودکان از حقوق‌شان برای بقا، بهداشت و آموزش با مانع مواجه شده است".^۴

در سال ۱۹۹۹، کمیته رفع تبعیض نژادی با یادآوری نظرات سایر کمیته‌های ناظر مذکور در فوق و همچنین گزارش یونیسف که وضعیت اسفبار کودکان در عراق را توصیف نمود از جامعه بین‌المللی و سازمان ملل به‌ویژه شورای امنیت خواست تا تحریم‌هایی که بر وضعیت بشردوستانه تأثیر منفی می‌گذارند را ملغی نماید.^۵

1. Press Release SG/SM/7338 (24 March 2000).

2. Concluding Observation of the Committee on Economic, Social and Cultural Rights: Iraq (E/C.12/1/Add.17).

3. Concluding Observation of the Human Rights Committee: Iraq (CCPR/C/79/Add.84).

4. Concluding Observations of the Committee on the Rights of the Child: Iraq (CRC/C/15/Add.94).

5. Concluding Observations of the Committee on the Elimination of Racial Discrimination: Iraq (A/54/18, paras.337-361).

کمیسیون فرعی ارتقا و حمایت از حقوق بشر وضعیت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه عراق را درمقاطع مختلف مورد بررسی قرار داد. در مصوبه این کمیسیون در پنجاه و دومین نشست آن از جامعه بین‌المللی به‌ویژه شورای امنیت خواسته شد تا تحریم‌هایی را که بر وضعیت بشردوستانه مردم عراق تأثیر منفی دارند ملغی نمایند. کمیسیون فرعی همچنین از تمامی دولت‌ها از جمله عراق خواست تا رنج شهروندان عراقی را از طریق تسهیل توزیع غذا، کالاهای پزشکی برای تأمین نیازهای اساسی آن‌ها کاهش دهد. کمیسیون فرعی با اشاره به گزارش‌ها درخصوص رنج‌های مردم عراق از جمله مرگ کودکان، افزایش مرگ‌ومیر نوزادان و استمرار وخامت سطح زندگی، تغذیه و بهداشت مردم به ویژه در زمینه آب آشامیدنی، برق و کشاورزی اظهار داشت: براساس آمارهای منتشره توسط اداره برنامه عراق، برنامه نفت برای غذا تنها بخشی از نیازهای حیاتی مردم را تأمین می‌نماید. کمیسیون فرعی در پایان نتیجه گرفت که هر تحریم که مردم عادی را به گرسنگی، بیماری، جهل و حتی مرگ محکوم می‌نماید ناقض فاحش حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حق حیات مردم و حقوق بین‌الملل می‌باشد.^۱

نتیجه‌گیری

تأثیر منفی تحریم‌های شورای امنیت بر حقوق بشر به ویژه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم کشورهای تحت تحریم به‌گونه‌ای که موجب نقض فاحش این حقوق می‌شود، واقعیتی غیرقابل تردید است. نمونه‌ای از موارد نقض این حقوق در عراق در بخش دوم این نوشتار بیان گردید. گرچه شورای امنیت تأثیرات منفی تحریم را ناخواسته قلمداد می‌نماید و با ابتکاراتی نظیر "تحریم‌های هوشمند"^۲ و یا "تحریم‌های هدفمند"^۳ قصد دارد از اتهام عاملیت نقض حقوق بشر خود را برهاند؛ مع‌ذک براساس عقیده عمده کارشناسان، شورای امنیت در نقض حقوق بشر مردم کشورهای تحت تحریم سهیم بوده و از عاملان نقض حقوق بشر محسوب می‌گردد.

1. Sub-Commission Decision 2000/12
2. Smart Sanctions
3. Targeted Sanctions

از سوی دیگر، سازمان ملل یکی از اهداف خود را حمایت و ارتقای حقوق بشر قرار داده و در این ارتباط جدی به نظر می‌رسد ولی در عمل، شورای امنیت خود به ارتقاء و حمایت از حقوق بشر پایبند نیست و ناقض اهداف منشور به شمار می‌رود. لازم است تا نهادی در درون سازمان ملل شکل یابد تا بر عملکرد این شورا نظارت کند که البته این امر به دلیل ساختار سازمان، عملی به نظر نمی‌رسد. راه دیگر، به انجام رساندن اصلاحات در شورای امنیت از طریق افزایش تعداد اعضای دائم و غیردائم این شورا و حذف حق وتو است که این اصلاحات گرچه مدت مدیدی است در دستور کار مجمع عمومی سازمان قرار دارد ولی تاکنون به دلیل عدم رغبت و تمایل اعضای دائم شورای امنیت و اختلافات و رقابت کشورهای داوطلب ورود به شورا به سرانجام نرسیده و بعید است در آینده نزدیک فرجامی پیدا کند.

برخی نظارت نهاد قضایی سازمان ملل یعنی دیوان بین‌المللی دادگستری بر مصوبات شورا را نیز مطرح کرده‌اند، ولی بدیهی است که دیوان هیچ‌گونه صلاحیتی بر مصوبات شورای امنیت ندارد و نظرات این دیوان برای شورا الزام‌آور نیست و این موضوع در موارد متعددی توسط خود دیوان نیز ابراز شده است.^۱ نهایت آن که کشورهای عضو سازمان ملل باید تلاش کنند - گرچه در مقابل صلاحیت‌های فوق‌العاده اعضای دائم تلاش آن‌ها ممکن است نتیجه ندهد - تا حاکمیت قانون را بر رفتارها و مصوبات شورای امنیت حاکم کنند، به امید آن که در روند کار، شفافیت و پاسخ‌گویی شورا افزایش یابد و از این طریق مانع از نقض حقوق بشر توسط شورای امنیت شوند.

۱. در کنفرانس سانفرانسیسکو موضوع امکان اجازه به دیوان بین‌المللی دادگستری برای اعمال صلاحیت اجباری بر قانونی بودن عملکرد ارکان سیاسی سازمان ملل به‌ویژه شورای امنیت مطرح شد که با مخالفت شدید قدرت‌های بزرگ مواجه گردید. براساس ماده ۵۹ اساسنامه دیوان تصمیمات این دیوان تنها برای اعضا و در ارتباط با پرونده مورد رسیدگی در دیوان الزام‌آور است.

درخصوص موضوع "رسیدگی قضایی" مصوبات شورا توسط دیوان، (آن‌گونه که در سیستم‌های قضایی برخی کشورها وجود دارد) مباحث زیادی مطرح گردیده و حتی خود دیوان نیز به آن پرداخته است. در صورتی که منظور از رسیدگی قضایی، صدور رأی الزام‌آور توسط دیوان باشد باید گفت در این صورت هیچ‌گونه رسیدگی قضایی علیه شورا توسط دیوان وجود نداشته و نخواهد داشت و در تصمیمات خود دیوان نیز به آن تصریح شده است.

منابع

1. Al-Ali, Nadjé (2000), *Sanctions and women in Iraq*, Cambridge Press
2. Al-Jawaheri, Yasmin Husein (2008), *Women in Iraq: the gender impact of international sanctions*, Boulder, Colo: Lynne Rienner Publishers.
3. Alston, Philip and Megret, Frederic., (ed), (2008), *The United Nations and Human Rights*, Oxford University Press.
4. Arnove, Anthon (2003), *Iraq Under Siege: The Deadly Impact of Sanctions and War*, 2nd edn, South End Press.
5. Bailey, Sydney D.(1994), *The UN Security Council and Human Rights*, Palgrave Macmillan.
6. Barnhizer, David (2002), *Effective Strategies for Protecting Human Rights: Economic Sanctions, Use of National Courts and International Fora and Coercive Power (Law, Justice and Power)*, Ashgate Pub Ltd.
7. Bosco, David L. (2009), *Five to rule them all : the UN Security Council and the making of the modern world*, Oxford, England ; New York : Oxford University Press.
8. Bossuyt, Marc (2000), *The adverse consequences of economic sanctions on the enjoyment of human rights*, (E/CN.4/Sub.2/2000/33).
9. Boutros Ghali, Boutros (1995), *Supplement to an agenda for peace*, S/1995/1.
10. Boutros Ghali, Boutros (1999), *Unvanquished*, Random Hous, INC, New York.
11. Brzoska, Michael (ed.), (2001), *Design and Implementation of Arms Embargoes and Travel and Aviation Related Sanctions: Results of the "Bonn-Berlin Process"*, Bonn International Center for Conversion, Bonn.
12. Center for Economic and Social Rights (1996), *UN Sanctioned Suffering: A Human Rights Assessment of United Nations Sanctions on Iraq*, New York: Center for Economic and Social Rights.
13. Conlon, Paul (2001), *United Nations Sanctions Management: A Case Study of the Iraq Sanctions Committee, 1990-1994 (Procedural Aspects of International Law Series)*, Hotei Publishing.
14. Cortright, David and Lopez, George A. (2000), *The Sanctions Decade: Assessing UN Strategies in the 1990s*, Lynne Rienner Publishers.
15. Cortright, David and Lopez, George A. (2002), *Sanctions and the search for security: challenges to UN action*, Boulder : L. Rienner Publishers.
16. Cortright, David, Lopez, George A., Minear, Larry, & Weiss, Thomas G. (1998), *Toward More Human and Effective Sanctions Management: Enhancing the Capacity of the United Nations System*, The Thomas J. Watson Jr. Institute for International Studies.

17. Craven, Matthew C.R. (1998), *The International Covenant on Economic, Social, and Cultural Rights: A Perspective on Its Development (Oxford Monographs in International Law)*, Oxford University Press, USA.
18. De Wet, Erika (2004), *The Chapter VII Powers of the United Nations Security Council (Studies in International Law)*, Hart Publishing.
19. Dedring, Juergen, (2008), *The United Nations Security Council in the 1990s*, State University of New York Press, New York.
20. Eide, Asbjorn (2001), *Economic, Social and Cultural Rights*, 1st edn, Springer.
21. Farral, Jeremy (2010), *The World Summit process and UN sanctions reform: between rhetoric and force*, in Peter G. Danchin and Horst Fischer (eds.), *UN reform and collective security*, Cambridge University Press.
22. Farral, Jeremy and Rubenstein, Kim, (eds), (2009), *Sanctions, Accountability and Governance in a Globalised World (Connecting International Law with Public Law)*, 1st edn, Cambridge University Press.
23. Farral, Jeremy (2008), *United Nations Sanctions and the Rule of Law*, 1st edn, Cambridge University Press.
24. Fasulo, Linda (2009), *An Insider Guide to the UN*, 2nd edn, Yale University Press.
25. Garfield, Richard (1999), *Morbidity and mortality among Iraqi children from 1990 through 1998: assessing the impact of the Gulf war and economic sanctions*, (www.cam.ac.uk/societies/casi)
26. Genugten, W. Van (2003), *United Nations Sanctions: Effectiveness and Effects, Especially in the Field of Human Rights, a Multi-disciplinary Approach*, Intersentia.
27. Gibbons, E and Garfield, R. (1999), *The impact of Economic Sanctions on Health and Human Rights in Haiti, 1991 to 1994*, "American Journal of Public Health 89 (1999): 1499-1504.
28. Hindmarsh, Albert E. (1993), *Force in Peace: Force Short of War in International Relations*, London: Kennikat Press.
29. Holmstrom, Leif (2003), *Concluding Observations of the UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights: Eighth to Twenty-Seventh Sessions (1993-2001 (Raoul Wallenberg Inst Series Intergovernmental Human Rights Doc)*, Kluwer Law International.
30. Hoskins, Eric (1998), *The Impact of Sanctions: A Study of UNICEF's Perspective*, UNICEF Office of Emergency Programmes, New York.
31. Kern, Alexander (2009), *Economic Sanctions: Law and Public Policy*, Palgrave Macmillan.
32. LeBor, Adam (2006), *Complicity with evil": the United Nations in the age of modern genocide*, New Haven: Yale University Press.
33. Leckie, Scott and Gallagher, Anne, (eds), (2004), *Economic, Social, and Cultural Rights: A Legal Resource Guide (Pennsylvania Studies in Human Rights)*, University of Pennsylvania Press.
34. Mark, Stephen (1999), *Economic Sanctions as Human Rights Violations: Reconciling Political and Public Health Imperatives*, American Journal of Public Health, Oct 1999, Vol.89. No.10

35. Mertus, Julie A. (2009), *The UN and Human Rights: A guide for a new era*, Routledge, 2 Edition.
36. Mingst, Karen A. (2007), *The United Nations in the twenty-first century 3rd ed*, Boulder, Colo.: Westview Press.
37. Peter G, Danchin and Fischer, Horst (eds), (2010), *United Nations Reform and the New Collective Security (European Inter-University Centre for Human Rights and Democratisation)*, 1st edn, Cambridge University Press.
38. Price, Richard M. and Zacher Mark W., (eds), (2004), *The United Nations and Global Security*, 1st edn, Palgrave Macmillan.
39. Reisman, W. Michael and Stevick, Douglas L., (1998), The Applicability of International Law Standards to United Nations Economic Sanctions Programmes, *European Journal of International Law*, No. 9.
40. Ristuccia, Cristiano A. (1997), *1935 Sanctions Against Italy: Would Coal and Crude Oil Have Made A Difference?* Linger College.
41. Saif, Abu-Gulal (2002), *UN economic sanctions and Iraq: a critical analysis of a failed policy*, Durham: University of Durham, Centre for Middle Eastern and Islamic Studies.
42. Tzanakopoulos, Antonios (2011), *Disobeying the Security Council: Countermeasures against Wrongful Sanctions*, Oxford University Press, USA.
43. United Nations Inter-Agency Standing Committee and Office for the Coordination of Humanitarian Affairs (OCHA), (2004), *Sanctions Assessment Handbook*, United Nations, New York.
44. Vone Sponeck, Hans, C. (2006), *A Different Kind of War: The UN Sanctions Regime in Iraq*, Berghahn Books.
45. W. Michael Reisman and Douglas L. Stevick, (1998), *The Applicability of International Law Standards to United Nations Economic Sanctions Programmes*, *European Journal of International Law* 9, 86-141
46. Wallensteen, Peter, ed. (2003), *Making Targeted Sanctions Effective: Guidelines for the Implementation of UN Policy Options [Final Report on the Stockholm Process on the Implementation of Targeted Sanctions]*, Department of Peace and Conflict Research, Uppsala University.
47. Weiss, Thomas G and Thakur, Ramesh (2010), *Global Governance and the UN: An Unfinished Journey (United Nations Intellectual History Project Series)*, Indiana University Press.
48. Weiss, Thomas G., Cortright, David, and Lopez, George A. (1997), *Political gain and civilian pain, humanitarian impacts of economic sanctions*, Rowman & Littlefield Publishers, Inc, USA.